

# آزادی گروگان‌ها

دولت "ضد امپریالیست" در مقابل آن زانو می‌زند، و ذخائر ارزی خود را، با رضایت خاطر، تقدیم می‌کند، و این کار را پیروزی بزرگ برای انقلاب ایران می‌خواند!!

و امروز زحمتکشان ایران به روشنی می‌بینند که دولت سرمایه‌دار و احزاب هوادار آن اهل مبارزه ضد امپریالیستی نیستند. برای مبارزه واقعی و بی‌امان علیه امپریالیسم زحمتکشان باید خود آن مبارزه را رهبری کنند. تنها از طریق بسیج سراسری زحمتکشان تحت رهبری طبقه کارگر است که مبارزه واقعی بر علیه امپریالیزم می‌تواند واقعیت پیدا کند.

سازشی که بر سر مسئله گروگان‌ها انجام گرفت نه اولین سازش این دولت بود، و نه آخرین سازش آن خواهد بود. دولتی که این چنین، در مورد مسئله‌ای که در مرکز توجه توده‌هاست آشکارا سازش می‌کند از هیچ سازشی روی گردان نخواهد بود.

و آنچه امپریالیزم می‌خواهد نه ۸ میلیارد یا ده میلیارد دلار پول، نه هیچ چیزی از این قبیل است. امپریالیسم تلاش می‌کند انقلاب ایران، و دست آورد های انقلابی زحمتکشان و استقرار یک دولت قوی و مقتدر (قوی و مقتدر در سرکوب زحمتکشان) را خواهان است. و ماهیت این دولت به روشنی گویای آنست که این دولت، و سردمداران آن، پشت سر زحمتکشان، و بر علیه زحمتکشان، با امپریالیزم تباری می‌کنند.

زحمتکشان برای دفاع از انقلاب خود، و حقوق خود، تنها می‌توانند بر اراده خودشان و مبارزات خودشان تکیه کنند.

امروز انقلاب ایران از همه سو مورد حمله قرار گرفته است. امپریالیزم، همدستان و دست‌نشاندها، آن، که

پس‌آینه آنچه از مدت‌ها قبل پیش‌بینی می‌شد انجام گرفت. و قضیه گروگان‌های آمریکایی، و باصطلاح مبادرات ضد امپریالیستی حزب جمهوری اسلامی، با سازشی متعفن پایان گرفت. نتیجه نهایی قضیه گروگان‌ها به روشنی نشان داد که این آقایانی که اکنون بیش از یک سال است ماسک ضد امپریالیست به چهره زده‌اند هر مبارزه مستقل نبود. و زحمتکش را با چماق وحدت در مقابل امپریالیزم کوبیدند، و دانشگاه را سنگر آمریکا نامیدند، واقعا چقدر در مقابل امپریالیزم تسلیم طلب و زیورند، که برای آنکه آنچه که کارتر "شرافت ملی آمریکا" نامید حفظ شود، حاضر شد بیش از ۸ میلیارد دلار ذخائر ارزی دولت ایران را بر طبق اخلاص نهاد، تقدیم کنند، و اینطور که قرائن و شواهد نشان می‌دهد در منتهای مراتب به هکار هم خواهند شد (واضح است که "شرافت ملی آمریکا"، آنهم آنطور که ریگان تفسیرش می‌کند چنین اقتضا می‌کند). و این همه در شرایطی صورت گرفته که تاکنون حتی یک دلار سرمایه امپریالیستی در ایران ملی نشده است. میلیاردها دلار سرمایه امپریالیستی در ایران وجود دارد. یک قلم آن به تنهایی (مثلا مجتمع پتروشیمی بندر شاهپور) میلیاردها دلار می‌ارزد دولت "ضد امپریالیست" جرئت نکرد به این سرمایه‌ها حتی دست بزند. حتی در شرایطی که زیر فشار محاصره اقتصادی شیرازه اقتصاد مملکت در حال از هم گسیختن بود. با برقراری روابط اقتصادی با بلوک شرق می‌شد محاصره اقتصادی را شکست. دولت "ضد امپریالیست"، حتی در شرایطی که محاصره اقتصادی به اوج خود رسیده بود کوچکترین اقدامی جهت مبارزه با محاصره اقتصادی بعمل نیاورد. و حالا که امپریالیزم آمریکا تجاوز نظامی این چنین جنایت آمیزی را بر علیه انقلاب ایران سازمان داده است،

ص ۸	مجلس خبرگان خیر، مجلس موسسان آری!	ص ۲	در جبهه چه می‌گذرد؟
ص ۹	همصدایی با ارتجاع، همکاری در سرکوب	ص ۳	ضرورت تشکیل جبهه متحد مقاومت در دفاع از
ص ۱۰	افزایش دستمزدها متناسب با افزایش هزینه زندگی	ص ۴	جنبش ملی خلق کرد
ص ۱۱	آموزش سوسیالیستی: انقلاب مداوم	ص ۵	کلیه اسناد شکنجه را علنی کنید!
ص ۱۲	۲۳ دی نمایش چماقداری رژیم!	ص ۶	تخریب محله‌های زحمتکشان

## در جبهه چه می‌گذرد؟

این شکست نظامی بهیچوجه امری تضادفی نیست پیروزی های اخیر ایران در جبهه جنگ نشان دادند که پیروزی بر ارتش عراق کارچندان دشواری نیست. ولی در هر صورت پیش بردن موفقیت آمیز جنگ مقاومت به فرماندهی هماهنگ و منسجم تمام نیروها نیاز دارد که بتواند تمام جوانب کلیه نیروهای مقاومت را، از عملیات نظامی گرفته، تا فعالیت های پشت جبهه سازماندهی و هماهنگ کند. وحدت اکثر نیروها را بطور متحد و منسجم وارد جنگ مقاومت سازد.

ولی دولت جمهوری اسلامی و رهبران موجود، بعلمت بحران عمیق سیاسی که گرفتار آن هستند، بعلمت نارضایتی روز افزون که در میان اقشار مختلف مردم ایجاد کرده‌اند، بعلمت تفرقه، چند دستگی، و شکاف های عمیق و متعددی که در اثر بحران در جامعه و در سطح رهبری سیاسی ایجاد کرده‌اند، قادر به ایجاد یک رهبری منسجم نظامی نیستند. تشتت، بی نظمی و ناهماهنگی بر جبهه مقاومت حکمفرماست. بخش های گوناگون رهبری با یکدیگر در ستیزند. و به کاری که میکنند اعتقادی ندارند. عدای در میان آنها آگاهانه خیانت کاربرد.

با این وضع نه تنها شکست مهلك اخیر امری تصادفی نبود، است، بلکه انتظار شکست های مشابه دیگری را هم میتوان داشت. در مقطع کنونی تنها شوراهای زحمتکشان و شوراهای سربازان هستند که قادر به یک رهبری سیاسی و یک رهبری نظامی منسجم را در ملک پایه گذاری کنند.

بجنگند. بسیج انقلابی آن بسیجی است که هدف آن نه تنها درهم شکستن تجاوز نظامی بلکه ریشه کن کردن پایه گاه امپریالیزم در ایران، یعنی سرمایه داری است. یعنی از میان بردن حاکمیت سرمایه داری و امپریالیزم در ایران و مستقر کردن حاکمیت زحمتکشان بجای آن. استقرار حاکمیت شوراهای کارگران و دهقانان در جامعه، بجای حاکمیت دولت سرمایه دار. تنها با این چشم انداز انقلابی است که بسیج توده های میلیونی برای درهم شکستن تهاجم امپریالیستی امکان پذیر است.

کارگران ایران امروز این وظیفه خطیر را بر دوش دارند، که سازماندهی مبارزه بر علیه امپریالیزم و رهبری زحمتکشان را در این مبارزه برعهده بگیرند. کارگران باید در همه جا دست به کار ساختن شوراهای واقعی و مردمی خود، و دست بکار سازمان دادن کنفرانس سراسری شوراهای کارگری شوند. کنفرانس هایی که خط مشی مستقل طبقه کارگر، و زحمتکشان را در مبارزه بر علیه امپریالیزم و سرمایه داری، و بر علیه تهاجم امپریالیستی، به بحث گذارند و معین کنند.

اخبار رسیده از جبهه حاکی از این است که ارتش ایران در جبهه جنوب شکست سختی دیده و تلفات سنگینی را متحمل شده است. قضیه از این قرار است که لشکر زرهی قزوین، نیروی عمده مقاومت نظامی در جنوب، بعد از یک حمله موفقیت آمیز بر علیه ارتش عراق و متلاشی کردن یک تیپ عراقی (که اخبار آن وسیعاً در سراسر کشور پخش گردید)، توسط سه لشکر عراقی محاصره شده و تحت حملات شدید توپخانه و بمباران هوایی قرار گرفته است. اخبار رسیده حاکی از این است که لشکر زرهی قزوین، در اثر این ضد حمله عملاً از بین رفته است و دیگر بطور متشکله و منضبط وجود ندارد. در رابطه با همین واقعه تا کنون چند سرهنگ اعدام شده‌اند.

بنظر میرسد که علت اصلی غافلگیر شدن لشکر زرهی قزوین به این شکل اصرار حجت‌الاسلام خامنه‌ای بر ادامه پیشروی بعد از حمله موفقیت آمیز فوق بود است. و نرسیدن قوای کمکی که آقای جمران مسرور رسانیدن آن به جبهه بود است.

رسانه های جمعی دولت جمهوری اسلامی، روزنامه های کثیرالانتشار کشور، که در مورد آن حمله موفقیت آمیز آنهمه هياهو برآمده‌اند، در مورد که شکست وحشتناک، که عملاً به نابودی عمده ترین نیروی مقاومت نظامی در جنوب منجر شده است سکوت کامل اختیار کرده و جلوی پخش شدن هر گونه اخباری را در مورد آن گرفته‌اند.

گمان می‌کنند شور انقلابی توده زحمتکش در ایران، بعلمت سیاست های ضد مردمی و ضد انقلابی دولت جمهوری اسلامی، و سایر فشارهایی که بر آن وارد شده است، و بعلمت فقدان یک چشم انداز واقعی برای پیشبرد انقلاب در میان توده ها، فروکش کرده است، و انقلاب در موقعیت ضعیفی قرار دارد. حملات خود را از هر سو آغاز کرده‌اند.

و تنها یک عامل است که می‌تواند در مقابل این حملات ایستادگی کند، تهاجم امپریالیستی را درهم بشکند و انقلاب را به پیروزی برساند. و آن بسیج انقلابی و میلیونی توده زحمتکش در سراسر ایران است. و امروز بیش از همیشه بر زحمتکشان روشن است، که رهبری سازمان دادن این بسیج را طبقه کارگر است که می‌تواند و باید در دست بگیرد، نه دولت جمهوری اسلامی.

برای اینکه چنین بسیجی بتواند بطور موفقیت آمیز، سازمان یابد، باید زحمتکشان به برنامه و چشم انداز انقلابی مسلح شوند. آنها باید بدانند برای کدام برنامه و هدف

**مردم زحمتکش و ستمدیده ایران را مسلح کنید!**



## ضرورت تشکیل جبهه متحد مقاومت در دفاع از جنبش ملی خلق کرد

می‌آورد. برخورد مسلحانه میان نیروهای پیشمرگه، جنبش ملی خلق کرد تنها جنبش ملی خلق کرد را در برابر دشمنان تا دندان مسلح آن تضعیف خواهد کرد.

مخالفت حزب دموکرات کردستان با مداخله، دیگر نیروهای جنبش مقاومت در "امور اجرایی" مفهومی جز مخالفت با سازماندهی مبارزات زحمتکشان و ستمدیدگان کرد برای پیشبرد اهداف مبارزاتی آنان ندارد. مخالفت حزب دموکرات با مداخله، دیگر نیروهای جنبش مقاومت در امور اجرایی مفهومی جز خلع سلاح بخشی از نیروهای پیشمرگه، جنبش مقاومت خلق کرد توسط حزب دموکرات ندارد. حزب دموکرات کردستان تاکنون مبارزین نیروهای مختلف جنبش مقاومت را بخاطر سازماندهی شوراهای دهقانی، سازماندهی مقاومت توده‌ها علیه حملات پاسداران، ارتش و جاش‌ها، سازماندهی مبارزات توده‌ها برای خلع سلاح رزگاری، دستگیری جاش‌های شناخته شده و... خلع سلاح و پسا دستگیر کرده است.

ضرورت مقابله با جنگ تحمیلی دولت مرکزی، سازماندهی مقاومت مسلحانه توسط زحمتکشان و ستمدیدگان کرد، یعنی ضرورت مداخله در امور اجرایی توسط زحمتکشان و ستمدیدگان را بوجود آورده است. انحصار حق مداخله در "امور اجرایی" توسط حزب دموکرات تنها به مفهوم مخالفت حزب دموکرات با شرکت توده‌های ستمدیده و زحمتکشی که توسط حزب دموکرات سازمان نیافته‌اند در جنبش ملی خلق کرد است. سیاستی که تنها به اتحاد زحمتکشان و ستمدیدگان کرد ضربه می‌زند و در صفوف جنبش ملی خلق کرد تفرقه می‌اندازد. انقلاب کردستان ضرورت مداخله زحمتکشان و ستمدیدگان کرد و همچنین سازمان‌های سیاسی آنها را در "امور اجرایی" بوجود آورده است. تنها زحمتکشان و ستمدیدگان کرد می‌توانند در مورد "امور اجرایی" تصمیم بگیرند و تصمیم‌هایی را نیز آنها خواهند گرفت. زحمتکشان و ستمدیدگان کرد برای آنکه بتوانند اراده جمعی خود را در مورد اجرای سیاست‌های مختلف بیان کنند باید مجلس موسسان دموکراتیک و ملی خود را تشکیل دهند. تنها مجلس موسسانی متشکل از نمایندگان منتخب زحمتکشان و ستمدیدگان کرد می‌تواند تعیین کند که چه کسانی حق مداخله در "امور اجرایی" را دارند. چنین مجلسی تعیین خواهد کرد که آیا "امور اجرایی" باید توسط شوراهای نمایندگان منتخب دهقانان در روستا و بنک‌ها در شهرها اجرا شود و یا به آن نحوی که حزب دموکرات خواستار اجرای آن است.

در شرایطی که شهرهای کردستان در اشغال دولت مرکزی قرار دارند، روستاهای کردستان با حملات وحشیانه

تهاجم نظامی امپریالیستی دولت عراق به انقلاب ایران بسیج مسلحانه و متحد کلیه کارگران، زحمتکشان و ستمدیدگان ایران را برای به عقب راندن این تهاجم ضروری ساخت. رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی در برابر تهاجم نظامی امپریالیستی، بحای سازماندهی موثر مقاومت، سیاست تخریب مقاومت و تفرقه‌انگیزی میان کارگران، زحمتکشان و ستمدیدگان ایران را در پیش گرفته است. رژیم جمهوری اسلامی بجای پایان بخشیدن به جنگ تحمیلی به خلق کرد، اعزام نیروهای نظامی و پاسدار از کردستان به جبهه‌های جنگ و تسلیح نیروهای پیشمرگه، جنبش ملی خلق کرد به سلاح‌های سنگین در برابر تجاوزات ارتش عراق، حملات وحشیانه خود را به انقلاب کردستان گسترش داده است. پس از آغاز تهاجم نظامی امپریالیستی دولت عراق، رژیم جمهوری اسلامی حضور نظامی خود را در کردستان افزایش داده است. فائتوم‌های ارتش اسلامی، همراه با میگ‌های عراقی به بمباران روستاهای کردستان پرداخته‌اند، فاجعه قتل عام روستائیان در "قارنا" و "قالانان" بار دیگر در "قارناش" و چندین روستای دیگر کردستان توسط عوامل رژیم جمهوری اسلامی تکرار شده است. رژیم جمهوری اسلامی حلقه محاصره اقتصادی کردستان، محاصره اقتصادی که مردم ستمدیده کرد را به فقر و فلاکت کشانده است، تنگ‌تر کرده است.

جنبش ملی خلق کرد، در چنین شرایط دشواری با وظایف سنگینی روبرو است. جنبش مقاومت ملی خلق کرد، از یکسو با سرکوبگران دولت مرکزی ایران و اشغال نظامی کردستان توسط نیروهای پاسدار و ارتشی روبرو است و از سوی دیگر با تهاجم نظامی امپریالیستی دولت عراق، جنبش ملی خلق کرد با ارتش ایران، تجاوزات عراق، سپاه پاسداران و دیگر نیروهای مزدور و ارتجاعی کرد، پیشمرگان مسلمان کرد، جاش‌های مفتی‌زاده، قیاده، موقت و سپاه رزگاری در آن واحد باید مبارزه کند. از جهت دیگر جنبش ملی خلق کرد باید همبستگی کارگران، زحمتکشان و ستمدیدگان ایران را نسبت به حقانیت مبارزات برحق خود جلب کند. پیشبرد کلیه این وظایف تنها با ایجاد جبهه متحد مقاومت متشکل از کلیه نیروهای پیشمرگه، جنبش ملی خلق کرد ممکن است.

حزب دموکرات کردستان با اعلام آنکه هیچ نیرویی در کردستان به غیر از حزب دموکرات حق مداخله در امور اجرایی را ندارد، برای تحمیل سیاست‌های خود در بسیاری موارد به خلع سلاح پیشمرگه‌های نیروهای مقاومت جنبش ملی خلق کرد دست زده است. سیاست‌های حزب دموکرات کردستان نه تنها در جهت پیشبرد انقلاب کردستان و اتحاد نیروهای پیشمرگه نیست بلکه خطر برخورد‌های مسلحانه میان نیروهای پیشمرگه، جنبش ملی خلق کرد را بوجود

## کارگران سوسیالیست ضرورت ...

ارتش پاسداران و جاش ها روبرو هستند و دولت عراق نیز حملات نظامی امپریالیستی خود را به انقلاب کردستان سازمان می دهد . ملت ستمدیده کرد توانایی تشکیل چنین مجلس موسسانی را ندارد . ستمدیدگان کرد برای کسب حق تعیین سرنوشت ، برای تشکیل مجلس موسسان ملی و دموکراتیک خود ، برای آنکه " امور اجرایی " و سایر امور را سازمان دهند باید کلیه موانع را از سر راه تشکیل چنین مجلس موسسانی بردارند . برای این امر تشکیل جبهه متحد مقاومتی متشکل از کلیه نیروهای درگیر در جنبش مقاومت ملی ضروری است .

سیاست های حزب دموکرات کردستان نه تنها به تشکیل چنین جبهه متحد مقاومتی متشکل از کلیه نیروهای پیشمرگه جنبش ملی خلق کرد کمکی نمی کند ، بلکه نیروهای پیشمرگه را رودرروی یکدیگر قرار می دهد . حزب دموکرات کردستان با جدا کردن مبارزه ملی ، از مبارزات دهقانی ، به مقابله با جنبش دهقانی در کردستان و خلع سلاح نیروهای که مبارزات دهقانی را سازمان می دهند روی آورده است . حزب دموکرات کردستان برای حفظ " وحدت ملی " میان زمین داران بزرگ و دهقانان ، سرکوب دهقانان و مبارزات آنان و نیروهای سیاسی که مبارزات آنان را سازمان می دهند را در دستور کار خود قرار داده است .

حزب دموکرات کردستان اگرچه از منافع طبقات دارا و از جمله از منافع زمین داران بزرگ و فئودال هادر برابری دهقانان فقرزده کردستان دفاع می کند ولی در میان دهقانان زحمتکش کرد از پایگاه تودهای وسیعی برخوردار است . پیشمرگان دموکرات همراه با دیگر نیروهای پیشمرگه و توده های زحمتکش روستاهای کردستان در مبارزات مشترک برای پایان بخشیدن به ستم ملی درگیر هستند . مبارزه ملی خلق کرد برای پایان بخشیدن به ستم ملی ، برای پایان بخشیدن به فقر و عقب افتادگی ناشی از ستم ملی ، تنها با تقسیم انقلابی زمین توسط شوراهای نمایندگان منتخب دهقانان به پیروزی خواهد رسید نه با سرکوب مبارزات دهقانی و حمایت از زمین داران بزرگ . تنها با مبارزه مشترک کلیه نیروهای پیشمرگه ، تنها با اتحاد گسترده کلیه

۲۳ دی ....

تشکیلات و غیره باید قاطعانه دفاع کنند . این دفاع ، دفاع از حقوق دموکراتیک است . حقوقی را که فقط بدست کارگران و زحمتکشان بدست خواهد آمد و پایدار خواهد ماند . حقوقی که بدون آن آنها نمی توانند خود را متشکل کرده و مبارزات خود را عمق و گسترش بدهند . پشتیبانی از خواست بازگشایی دانشگاه ها جزئی از مبارزه برای احقاق حقوق دموکراتیک است که توسط هیات حاکم پایمال شده است . حقوقی که هر روز حملات بیشتری علیه آن صورت می گیرد . مسائل مبارزه برای حقوق دموکراتیک ( منجمله بازگشایی دانشگاه ها ) باید جزو مبارزات کارگران قرار گرفته و در شورا ، کارخانه و مجامع عمومی

۴  
زحمتکشان و ستمدیدگان کرد ، می توان به اشغال نظامی کردستان پایان داد . برای پیروزی انقلاب کردستان تشکیل جبهه متحد مقاومت از کلیه نیروهای پیشمرگه جنبش ملی خلق کرد ضروری است . سازماندهی ، تحکیم و گسترش شوراهای دهقانی ضروری است . مبارزه برای تشکیل مجلس موسسان ملی ، دموکراتیک و انقلابی کردستان ضروری است .

### اطلاعیه دفتر سید عزالدین حسینی

رادیوی امپریالیستی " صدای آمریکا " در برنامه خبری چهارشنبه شب و پامداد روز پنجشنبه ۱۱ / ۱۰ / ۵۹ خود خبری به این مضمون پخش کرد : " رهبران کردستان در نظر دارند که در ۲۲ ژانویه ( ۲ بهمن ) اعلام خود مختاری بنمایند و شیخ عزالدین حسینی اعلام داشته است که ارتش رهایی بخش ایران که از افسران فراری وابسته به رژیم سابق تشکیل شده است با ما همکاری می کنند . "

دفتر سید عزالدین حسینی لازم می داند موارد ذیل را در این رابطه به اطلاع هم میهنان مبارز و خلق رزمنده کرد برساند :

۱- موضوع مربوط به ارتش به اصطلاح رهایی بخش ایران و افسران فراری کذب محض بوده و ماموستا و یاران ایشان هیچگاه چنین مطالبی اظهار نداشته اند .

۲- مطالب خیر فوق عمداً طوری بیان شدند که چنان برداشت شود که گویا ماموستا شیخ عزالدین هم در مساله شایعه اعلام خود مختاری در ۲ بهمن نظر و دخالتی دارند . بدین وسیله اعلام می داریم که ماموستا با موضوع اعلام با اصطلاح چنین خود مختاری که این روزها از طرف محافل و رادیو های ارتجاعی و امپریالیستی شایع شده است هیچگونه ارتباطی ندارند .

۳- خلق قهرمان کرد و کلیه آزادی خواهان ایران که ماهیت سیاست های امپریالیزم و عناصر فراری و خود فروخته را بخوبی می شناسند مسلماً می دانند که این خبر در خدمت چه سیاست هایی است و رادیوهای ارتجاعی و " رادیو صدای آمریکا " با پخش این اکاذیب سعی در مخدوش کردن اذهان عمومی نسبت به مبارزه عادلانه خلق کرد دارند .

۱۲ / ۱۰ / ۵۹ دفتر سید عزالدین حسینی

شورا مورد بحث قرار بگیرد .

دانش آموزان نیز به عنوان کسانی که مورد هجوم حملات ضد فرهنگی و ضد دموکراتیک هیات حاکم هستند باید در مدارس در پیشاپیش مبارزات خود خواست بازگشایی دانشگاه ها را مطرح کنند . این مبارزه تنها و تنها از طریق تشکلات دانش آموزی به موفقیت خواهد انجامید . هیچ سازمان سیاسی نمی تواند خود را جایگزین توده های دانش آموزان یا دانشجو بکند و بجای آنان مستقلاً دست به عمل بزند . دانش آموزان از طریق اتحاد شوراهای دانش آموزی است که قادرند برای حقوق دموکراتیک مبارزه کنند و آنرا به سرانجام برسانند .



# کلیه اسناد شکنجه را علنی کنید!

البته زدن با مشت و لگد و یا با شیلنگ و کابل بیشتر موارد را - تشکیل می دهد - شکنجه های روحی و ایجاد صحنه های اعدام نیز اظهار شده که باید در مورد آنها تحقیق بیشتری شود.

۲- پرونده هایی که ماهه هیئت ۵ نفره ارجاع کرد ما بم حالات مختلفی را شامل می شود. شکنجه حین دستگیری، شکنجه قبل از محاکمه، شکنجه حین جستجوی منزل یا مطب، شکنجه هنگام بازداشت موقت و نیز شکنجه برای گرفتن اقرار، همه این ها ابراز شده است.

۳- مقام مسئول در دفتر ریاست جمهوری اعلام می کند که تا قبل از اعلام نظر هیئت از افشای نام شکنجه گران، کسانی که دستور اعمال شکنجه داد ماند و مسئولین شکنجه زندانیان خود داری خواهد کرد. این در حالی است که در میان این افراد نام بسیاری از افراد مسئول و شناخته شده نیز وجود دارد.

\* \* \* \* \*

از همان ابتدا روشن بود که هدف از تشکیل هیئت بررسی شایعه شکنجه، ماست مالس کردن افتضاح شکنجه در زندان های رژیم جمهوری اسلامی بود و نه افشای حقایق در مورد شکنجه زندانیان و معرفی شکنجه گران و مسئولین شکنجه زندانیان. عملکرد های هیئت بررسی شایعه شکنجه تاکنون نیز درستی این نظر را تأیید کرده است. این هیئت اولاً به توجیه شکنجه تحت عنوان مجازات های شرعی پرداخته است، ثانیاً قصد آنرا دارد که تحقیقات خود را بقدری کش بدهد که مسئله شکنجه زندانیان به نحوی منتفی بشود، ثالثاً از آنجا که نمی تواند وجود شکنجه را کاملاً تکذیب کند قصد آنرا دارد که شکنجه زندانیان را به عنوان نمونه هایی استثنائی که اینجا و آنجا توسط افراد غیر مسئول اعمال شده اند قلمداد کند و با گفتن انشاء الله دیگر اتفاق نخواهند افتاد (!) پرونده شکنجه زندانیان را به پایگانی بسپارد.

هیئت بررسی شایعه شکنجه در زندان ها تاکنون کوچکترین گزارشی از پیشرفت مراحل مختلف تحقیقات خود، از حقایقی که در مورد شکنجه زندانیان بدست آورده است، و نتایجی که تاکنون از تحقیقات خود بدست آورده است ارائه نداده است. این در حالی است که این هیئت تاکنون از زندان های مختلف بازدید کرده است و ادعا می کند که به حرف های زندانیان رسیدگی کرده است و پرونده های مختلفی را مورد بررسی و تحقیق قرار داده است. هیئت بررسی شایعه شکنجه به جای گزارش مراحل مختلف بررسی ها و تحقیقات خود، افشای حقایق بدست آمده را به پایان کار خود موقوف کرده است. کاملاً واضح است که این هیئت با موقوف کردن گزارش مراحل مختلف تحقیقات خود به پایان کار بررسی های هیئت قصد کش دادن مسئله را دارد. شکنجه گران، استبداد

دفتر ریاست جمهوری اعلام کرد ماست که تا کنون ۲۶۳ پرونده سند به همراه ۳۰ قطعه عکس از آثار شکنجه بر روی بدن زندانیان و یا معدومین، تحویل هیئت بررسی شایعه (!؟) شکنجه داده است. (روزنامه انقلاب اسلامی ۵۹/۱۰/۲۵) در قسمت هایی از نامه دفتر ریاست جمهوری به هیئت بررسی شایعه شکنجه در مورد اسناد شکنجه زندانیان توضیحات زیر داده شده است:

۱- اکثر شکوائیه های رسیده به این دفتر مربوط به بازداشت افراد در درگیری های سیاسی است.

۲- عاملین شکنجه بعضاً افراد با تجربه ای هستند ( یعنی شکنجه گران دستگاه جهنمی ساواک که در خدمت استبداد گران رژیم جمهوری اسلامی درآمد اند ) و معمولاً نشانی از شکنجه و ضرب و جرح بر بیکر شکنجه شده باقی نمی گذارند.

۳- گروهی از شکنجه شدگان ابراز شکایت و اطلاع از چگونگی امر را منوط و مشروط به حصول اطمینان از مجازات عاملین شکنجه دانسته و در غیر این صورت از شکایت خود داری می کنند و یا با اسامی مستعار و بدون نشانی به این کار می پردازند. ترس از مراجعه و معرفی عاملین بوضوح در کلیه شکنجه شدگان مشهود است.

۴- بسیاری از شکوائیه ها و مراجعات در شهرهای بزرگ صورت می گیرد، این به احتمال زیاد بدان معنی نیست که در شهرهای کوچک و دورافتاده شکنجه اعمال نمی شود، بلکه برعکس همین دورافتادگی و هراس از عدم ارجاع مراتب به مقامات مسئول اگر مقامات مسئول حضور داشته باشند باعث شده که شکنجه شدگان بیشتر احساس ناامنی کنند و لذا مراتب شکنجه به مرکز انعکاس نیابد.

۵- در مواردی شکنجه ها در خارج از محیط زندان مثل خیابان، پستوی مغازه، منازل امن، نقاط دور افتاده و خارج شهر، داخل اتومبیل، غیره اعمال شده است.

یکی از مسئولان دفتر ریاست جمهوری در مصاحبه با خبرنگار روزنامه انقلاب اسلامی نکات زیر را نیز به موارد فوق اضافه می کند:

۱- شکنجه ها از انواع خیلی ساده تا انواعی که منجر به مرگ شخص شکنجه شده گردیده می باشد. مثلاً با زدن ابزار و آلات آهنی به سر و صورت و نیز انداختن بخاری روشن بر روی يك متهم به قاچاق مواد مخدر باعث فوت وی شده اند، یا یکی از پرونده ها حاکی از سوزاندن نوك بینی و نیز بعضی محل های حساس بدن شخصی که مضمون واقع شده میباشد... پرونده های حاکی از آن است که اعمالی با شخص دستگیر شده انجام شده که باعث شکستگی جمجمه، خونریزی مغزی و بالاخره فوت وی گردیده است یا شکستگی ستون فقرات، دست و پا ( در يك مورد منجر به قطع پا ) پارگی پرده گوش بر اثر سیلی و اینگونه موارد نیز در پرونده ها دیده می شود.

گران حاکم و توجیه کنندگان شکنجه در هیئت بررسی شایعه شکنجه به روزی امید بستند که بتوانند با گسترش هر چه بیشتر استبداد، سرکوب و خفقان، با سرکوب جنبش آزادی خواهانه توده های زحمتکش و ستم دیده، افتضاح شکنجه پر زندان های رژیم جمهوری اسلامی را کاملاً ماست مالتی کنند. آنها خواب روزی را می بینند که دیگر کسی به خاطر سرکوب گری های سردمداران استبداد، شکنجه و خفقان جرات طرح مسائلی از قبیل شکنجه زندانیان را به خود راه ندهد.

در غیر این صورت مسئله خیلی ساده است. تحقیقات هیئت بررسی شایعه شکنجه تاکنون مراحل مختلفی را طی کرده است. بعنوان مثال این هیئت از یکی از زندان های مختلف رژیم جمهوری اسلامی بازدید کرده است. تحقیقات این هیئت باید منطقی به یکی از دو نتیجه زیر برسد. در این زندان نمونه های شکنجه زندانیان وجود دارد و یا ندارد. در هر صورت هیچ مانعی در راه علنی کردن نتایج تحقیقات هیئت بررسی شایعه شکنجه در مورد وجود یا عدم وجود شکنجه

در زندان هایی که مورد بازدید این هیئت قرار گرفته است وجود ندارد. حقیقت امر آن است که در زندان هایی که مورد بازدید هیئت بررسی شایعه شکنجه قرار گرفته اند نمونه های شکنجه زندانیان فراوان است. ولی هیئتی که هدف آن ماست مالتی کردن افتضاح شکنجه زندانیان در زندان های رژیم جمهوری اسلامی است، در شرایط کنونی علناً نمی تواند دروغ بگوید و شکنجه زندانیان را در زندان هایی که مورد بازدید قرار داده است تکذیب کند. تکذیب حقایق توسط این هیئت با اعتراض زندانیان شکنجه شده و خانواده های آنان و انعکاس گسترده این اعتراض در جامعه رویرو خواهد شد. چنین امری به بی اعتباری و رسوایی بیشتر هیئت ماست مالتی کردن و توجیه افتضاح شکنجه در زندان های رژیم جمهوری اسلامی منجر خواهد شد.

ماهیت قلابی هیئت بررسی شایعه شکنجه بر کمتر کسی پوشیده است. دفتر ریاست جمهوری اگر واقعا در مبارزه علیه شکنجه زندانیان اصولی وجدی است باید اسناد و عکسهای را که به هیئت بررسی شایعه شکنجه ارائه داده است علنی کند. ارائه اسناد و شواهد معتبر، در مورد اعمال شکنجه

بقیه در صفحه ۸

## نمونه هایی از شکنجه

دسته های اوپاش سازمان یافته بوسیله کمیته باقرآباد رشت، از جمله کریم اسلام پرست و پرویز اکبری به قتل می رسد. حسن فرحناک به خاطر شکنجه هایی که در مورد او اعمال شده است زخم های عمیقی در کتف، پیشانی و باسن در بدن او بوجود می آید. ( جای بخیه ها بر روی بدن او باقی بود )

۴- ۴۰ نفر از زندانیان مجاهد که بطور غیرقانونی و بخاطر فروش نشریه مجاهد در زندان اوین به سر می برند، نمونه های شکنجه خود را در بندهای زندان اوین به هیئت بررسی شایعه شکنجه گزارش داده اند. شکنجه آنها شامل ضرب و جرح، توسط مشت و لگد و ایجاد صحنه های مصنوعی اعدام می شود. در کلیه این موارد آقای محمد کجویی سرپرست زندان اوین حضور داشته است و بر شکنجه آنها نظارت می کرده است. آقای کجویی ضمن نظارت بر شکنجه اظهار می داشته است که: "چون ما بر حقیقت پسینانیم و پیاپی زندان اوین مستقل از تمامی نهادها است و ما هر کاری که بخواهیم در اینجا انجام می دهیم."

زندانیان توسط نگهبانی به نام کبیری به شدت مورد ضرب و شتم قرار می گیرند.

بسیاری حقوق زندانیان مجاهد از آنها سلب شده است. مانند فرستادن آنها به زندان های انفرادی، محدود کردن حق خروج از سلول به مدت چهار بار در روز برای استفاه از دستشویی و ...

شکنجه پس از دستگیری در کمیته های ۵، ۸، ۱۰، ۱۱ و ... تهران

(نقل از مجاهد ۱۰۵)

۱- علی بابایی در تاریخ ۱۴/۱۰/۵۹ توسط حاکم شرع اهواز ( طباطبایی ) به خاطر اعتراض به محاکمه غیرقانونی برادرش داوود بابایی به حکم شرعی (!) به ۲۵ ضربه شلاق محکوم می شود. داوود بابایی به همین اتهام به ۱۵ ضربه شلاق محکوم می شود.

۲- محمد رضا احسانی، دانش آموز هنرستان شهید سروندی ( تکنیکوم ) از هواداران سازمان مجاهدین خلق در صبح روز یکشنبه ۱۴/۱۰/۵۹ در خیابان مورد تعقیب و ضرب و شتم قرار می گیرد که منجر به بستری شدن او در بیمارستان می شود. عاملین ضرب و جرح محمد رضا احسانی گروهی از دانش آموزان هنرستان تکنیکوم به اسامی ۱- مهدی معتمد ( عضو کمیته و مسلح به کلت در محیط هنرستان ) ۲- محمود کیایی ( عضو کمیته و مسلح به کلت در محیط هنرستان ) ۳- سعید خالقی ( عضو بسیج ) ۴- مسعود خالقی ( عضو بسیج ) ۵- جعفر خدایی ( عضو بسیج ) ۶- جلال تهرانی و ۷- رضا افراطی هستند.

محمد رضا احسانی در بیمارستان توسط آقای امینی ( مسئول امور تربیتی هنرستان )، آقای مسعودی ( یکی از دبیران هنرستان و پیشنماز انجمن اسلامی )، محمد نشاط و دبیر هنرستان ) و دو نفر ناشناس مسلح به کلت و کابل مورد تهدید ( اخراج از هنرستان، شکنجه در زندان اوین، اعدام ) و ارباب قرار می گیرد.

حسن ( بهرام ) فرحناک، مطابق نقشه قبلی در ۱۳/۱۰/۵۹ توسط ضربه چاقو و به خاطر پارگی قلب، در رشت به قتل می رسد.

۳- حسن فرحناک به علت اعتراض به شکنجه خود توسط



## تخریب محله‌های زحمتکشان

زحمتکش را منعکس کرده است. واقعیت محاصره نظامی محله مسکونی و سپس سرکوب مردم زحمتکشی را که با خون دل دو تا آجر روی هم گذاشتند تا سقفی بالای سرشان باشد را منعکس می‌کند. بلکه حتی تخریب خانه های مردم تپه سینه تهران پارس را اشتباه می‌داند.

روزنامه جمهوری اسلامی به شهرداری تهران انتقاد می‌کند: «... چرا شهرداران مزبور ( ناحیه ۸ و ۴ قبل از توسعه خانه های تخریب شده اقدام به عمل متوقف کننده نکردند؟ چرا با وجودیکه شاهد گسترش هر روزه و بقول خودشان شبانه منطقه بودند، از مردم یا نیروهای انتظامی مدد نطلبیدند؟»

تمام بحث روزنامه جمهوری اسلامی اینست که چرا به این صورت مردم بی‌خانمان را سرکوب کردید؟ چرا به صورتی که ما می‌گوئیم دست به سرکوب مردم بی‌خانمان نزد کردید؟ زود تنر نیروهای انتظامی را برای سرکوب مردم بی‌خانمان نفرستادید؟ چرا از اوپاش سازمان یافته تحت عنوان مردم برای سرکوب مردم بی‌خانمان استفاده نکردید؟ اگر وضع مسکن خراب است، اینکه عده بسیاری در زاغه ها و آلونک ها زندگی می‌کنند، اینکه بسیاری توانایی پرداختن اجاره های سنگین و کم‌رکن را ندارند برای روزنامه جمهوری اسلامی اصلا مطرح نیست. ضرورت حل مشکل مسکن، تهیه مسکن در سطح وسیع برای زحمتکشان از نظر روزنامه جمهوری اسلامی مطرح نیست. روزنامه جمهوری اسلامی تنها ب فکر حفظ حاکمیت جناح حاکم و پیشبرد اهداف حزب جمهوری اسلامی است.

روزنامه جمهوری اسلامی در این مورد توضیح می‌دهد: این تخریب را نمی‌توانم جدا از مسئله تضعیف دولت آقای رجایی توسط لیبرالیزم در ادارات بدانم. شاید این مسئله يك نقشه فريبكارانه بوده باشد که از سوی دو شهردار ناحیه ( ۴ و ۸ )، علیه شهرداری تهران و دولت طرح ریزی شده است تا دیگران شعارهایی را بازگو و تبلیغ کنند. ... چه دست‌هایی در کار است تا هر روز مهائب محرومین جامعه را بنام دولت تشدید نماید؟

برای روزنامه جمهوری اسلامی، حل مهائب محرومین مطرح نیست، حل مشکل مسکن مطرح نیست، تنها پیشبرد دعوای جناحی مطرح است. کابینه آقای رجایی و توطئه های "لیبرال ها" مطرح است!

ولی زحمتکشان به راه حل انقلابی برای حل مشکلات خودشان از جمله مشکل مسکن احتیاج دارند.

۱- کلیه آپارتمان های اجاره‌ای باید ملی شوند و خانه های خالی در اختیار کسانی که به آن نیاز دارند گذاشته شود.

۲- بهای اجاره خانه باید متناسب با درآمد زحمتکشان کاهش پیدا کند. با ملی شدن آپارتمان های اجاره‌ای دولت

بقیه در صفحه ۱۰

رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی در پاسخگویی به نیازهای کارگران، زحمتکشان و ستمدیدگان جامعه، در حل ابتدایی ترین مشکلات آنها عجز، ناتوانی و بی‌کفایتی خود را به اندازه کافی به نمایش گذاشته است. آنها که در حکومت عدل اسلامی وعده حاکمیت مستضعفین را میدادند و می‌گفتند "کوخ نشینان" را "کاخ نشین" خواهیم کرد، در تهیه مسکن برای مردم بی‌خانمان، برای آلونک نشینان، زاغه نشینان و مستضعفین، ناتوانی و بی‌کفایتی خود را نشان دادند. امروز دوران عوامفریبی ها، دفتر و دستک درست کردن ها، حساب بانکی برای مستضعفین درست کردن ها و ... گذشته است. آنها با عوامفریبی های خود جلوی اشغال خانه های خالی را توسط مردم بی‌خانمان گرفتند. امروز نوبت شهرداری تهران است که با تخریب محله های مسکونی زحمتکشان، آنها را آواره کند و مشکل مسکن را افزایش دهد.

بنابراین گزارش روزنامه جمهوری اسلامی ماجرای تخریب خانه های تپه سینه تهران پارس بطور خلاصه چنین بوده است: "عدای بدون مجوز قانونی اقدام به تصرف زمین های اطراف تپه سینه تهران پارس نمودند ( مگر برای تصرف زمین های مسوات به مجوز قانونی هم نیاز هست؟ ) و در عرض مدت کوتاهی در آنجا، ساختمان هایی با ساختمان های مختلف می‌سازند که به جز تعدادی از آنها قابل استفاده بوده نشده بود ( ولی بزودی می‌شد غیر قابل استفاده بودن خانه ها در مرحله کنونی تخریب آنها را توجیه نمی‌کند ) . بر اساس اظهارات منابع مختلف اما صاحب نظر، تخریب منطقه فوق بدنبال هشدارهای مکرری بوده است که از همان لحظات نخست تصرفات از سوی ارگان های قانونی داده شده بود که ظاهراً متمرثر واقع نشده بود. به همین دلیل با حضور نماینده دادستانی بر اساس اظهارات منابع فوق صبح دوشنبه ( ۲۲ / ۱۰ / ۵۹ )، راه های اطراف تپه سینه بوسیله نیروهای انتظامی بسته و سپس عملیات تخریبی ساختمان های نیمه کاره به وسیله لودرهای شهرداری آغاز می‌شود. آنچه پس از حدود سه ساعت باقی می‌ماند بی‌شبهت به مناطق بیمارستان شده نیست.

هشدارهای قبلی به هیچ وجه تخریب محله مسکونی مردم زحمتکش را توجیه نمی‌کند. شهرداری تهران بجای آنکه برای مردم بی‌خانمان مسکن تهیه کند، محله مسکونی مردم زحمتکش را بخاطر تصرف غیر مجاز زمین و یا به عبارت دیگر برای حمایت از مالکیت خصوصی زمین های شهرداری و دفاع از بورس بازی و معامله زمین و ساختمان، کاملاً ویران می‌کند. و مردم زحمتکش را آواره می‌کند. ( علاوه بر این تعدادی از خانه های ویران شده توسط شهرداری تهران، دارای سند مالکیت بود مانند )

روزنامه جمهوری اسلامی نه تنها خیر سرکوب مردم

## مجلس خبرگان خیر، مجلس مؤسسان آری!

خودشان را ندارند و به قیام احتیاج دارند تا مواظب باشد آنها را از زاء راست و سراط مستقیم منحرف نشوند، اجازه می‌دهد که از میان قشر از ما بهترین قیام و ولی خود را انتخاب کنند. بردگان قرار است اربابان خود را انتخاب کنند، آخر برده داران آزادی خواه و دموکرات شده‌اند.

مجلس خبرگان، همان مجلس سنا است. انقلاب ایران مجلس خبرگان را به پایگانی خواهد سپرد. کارگران زحمتکش و ستمدیدگان ایران باید مجلس مؤسسان دموکراتیک و انقلابی خود را تشکیل دهند. باید مجلسی از نمایندگان منتخب و واقعی خودشان تشکیل دهند. مجلسی از نمایندگانی که ضرورت بسیج مسلحانه عمومی را برای مقابله با تهاجم نظامی امپریالیستی دولت عراق درک می‌کنند. ضرورت استقرار کنترل کارگری بر تولید و استقرار نظام اقتصاد با برنامه رادیکال، ضرورت اصلاحات ارضی انقلابی توسط شوراهای دهقانی را درک می‌کنند. ضرورت پایان بخشیدن به فقر عمومی، بی‌سوادی، عقب افتادگی، ستم و تبعیض را می‌فهمند. مجلس مؤسسانی که مرگ استبداد را اعلام کند، به حاکمیت روحانیت پایان دهد، به ولایت فقیه پایان دهد و بجای آن حکومت کارگران و دهقانان را مستقر کند.

بنابه گزارش روزنامه جمهوری اسلامی، قانون مجلس خبرگان و انتخابات آن در ۲۲ / ۱۰ / ۵۹ به تصویب آیت الله خمینی رسیده است. وظیفه این مجلس انتخاب رهبر و پسا شورای رهبری است.

صد البته، انتخابات مجلس خبرگان کاملاً آزاد و دموکراتیک است. در انتخابات مجلس خبرگان، مردم حق آنها دارند که آزادانه و بدون ترس و واژه، از میان روحانیت حاکم، اعضای مجلسی را که برای آنها قیام تعیین خواهد کرد انتخاب کنند.

صلاحیت انتخاب شوندگان توسط سه نفر از استادان معروف درس خارج از حوزه علمیه تعیین خواهد شد. این تبصره جهت محدود کردن آزادی انتخابات نیست ولی در میان قشر از ما بهترین هم ممکن است روحانی نمایان به اصطلاح "التقاطی" و یا "لیبرال" و یا "غیر مکتبی" خود را جای زده باشند و مردم هم ممکن است فریب آنها را بخورند. البته در میان خبرگان جایی برای این قبیل عناصر "غیر مکتبی" وجود ندارد.

برگزاری انتخابات برای مجلس خبرگان تنها به مسخره گرفتن مردم است. روحانیت حاکم بقدری آزادی خواه و دموکرات شده است که به مردمی که صلاحیت تعیین سرنوشت

### کلیه اسناد...

در زندان های رژیم جمهوری اسلامی، کار هیئت بررسی شایعه شکنجه را در ماست مالی کردن حقایق شکنجه مشکل تر خواهد کرد و مبارزین آزادی خواه را در برابر سردمداران استبداد و توجیه کنندگان شکنجه توسط حقایق انکارناپذیر مسلح خواهد کرد.

د فتر ریاست جمهوری اگر در مخالفت خود با اعمال شکنجه جدی و اصولی است باید تمام شکنجه گران و مسئولین شکنجه زندانیان را افشا کند. این شکنجه گران و مسئولان شکنجه زندانیان، هنوز در مصا ذر کار قرار دارند، آنها بر زندگی و سرنوشت زندانیان حاکم هستند. ادامه کار آنها یعنی ادامه شکنجه زندانیان، شکنجه هایی که در بسیاری از موارد به مرگ و یا نقص عضو زندانیان منجر شده است. افشا نکردن اسامی شکنجه گران و مسئولین شکنجه زندانیان جنایتی است در حق زندانیان.

استبداد حاکم چنان محیط رعب و وحشتی را ایجاد کرده است که بسیاری از شکنجه شدگان از ترس قدرتمندان شکنجه گرجات بیان حقایق را ندارند. تنها با افشای نام شکنجه گران و مسئولان شکنجه زندانیان با علنی کردن اسناد و مدارک شکنجه می توان مبارزه علیه شکنجه را گسترش داد و محیط رعب و وحشتی را که استبداد گران حاکم ایجاد کرده‌اند درهم شکست.

ولی هدف جاروجنجال های آزادی خواهانه بنی صدر

د فتر ریاست جمهوری و بسیاری دیگر از سیاستمداران سرمایه داری، هدف مخالفت های ضمنی آنها با اعمال شکنجه، مبارزه برای پایان بخشیدن به استبداد حاکم و شکنجه زندانیان نیست. آنها مبارزات آزادی خواهانه زحمتکش را به وسیله ای برای پیشبرد اهداف خود علیه جناح حاکم، جناح حزب جمهوری اسلامی تبدیل کرده‌اند. آنها اگر به مخالفت ضمنی علیه شکنجه روی آورده‌اند، تنها جهت سوار شدن بر جنبش آزادی خواهانه توده های زحمتکش و استفاده از آن جهت اعمال فشار بر حزب حاکم برای کسب امتیازات بیشتر در راه پیشبرد برنامه های خودشان است. آنها استبداد و عکس های شکنجه را، اسامی شکنجه گران شناخته شده را به وسیله ای جهت حق السکوت گرفتن از شکنجه گران و کسب امتیازات سیاسی علیه جناح حزب حاکم تبدیل کرده‌اند. در این میان شکنجه شدگان، زندانیان و خانواده های آنها، قربانی پیشبرد دعواهای جناحی سردمداران حکومتی می شوند. امروز کسانی که به "لیبرال ها" معروف شده‌اند، قصد سوار شدن بر جنبش آزادی خواهانه زحمتکش و ستمدیدگان ایران را دارند تا از آن علیه جناح دیگر هیئت حاکم استفاده کنند.

اسناد و عکس های شکنجه، اسامی شکنجه گران و کلیه حقایق مربوط به شکنجه زندانیان باید علنی شوند. بخش حقایق به گسترش مبارزه علیه رژیم شکنجه، رژیم استبداد، سرکوب و خفقان، به گسترش مبارزات آزادی خواهانه زحمتکش و ستمدیدگان ایران کمک خواهد کرد.



## همصدایی با ارتجاع، همکاری در سرکوب؟!

طبقه کارگر و جنبش کارگری بیشترین ضربه ها را از سرکوب آزادی های اجتماعی و پایمال کردن حق تظاهرات می بیند طبقه کارگر برای دفاع از حقوق خود به حق مبارزه برای این حقوق، به آزادی تجمع، تشکل، اعتصاب و تظاهرات نیاز دارد.

دبیرخانه کنگره سراسری شوراهای اسلامی کارگران ایران، نه تنها در برابر پایمال کردن حق تظاهرات توسط دولت کوچکترین اعتراضی نمی کند بلکه از دولت جمهوری اسلامی می خواهد که این "جرثومه های" فساد را شناسایی و دستگیر نماید.

دبیرخانه کنگره سراسری شوراهای اسلامی کارگران ایران نه تنها قادر به پیشبرد اهداف جنبش شورایی کارگران و رهبری مبارزات کارگری نیست بلکه خود مانعی در برابر گسترش و تعمیق جنبش شورایی کارگران است.

۲- کانون هماهنگی انجمن های اسلامی کارخانجات : کانون هماهنگی انجمن های اسلامی با محکوم کردن هرگونه راهپیمایی از طرف "ضد خلقی ها" دشمنی آشکار خود را با آزادی های اجتماعی نشان داد. انجمن های اسلامی که در ارتباط با استبداد گران حزب جمهوری اسلامی تشکیل شد مانند، عامل نفوذ سرمایه داران و تفرقه افکنی های آنها در جنبش کارگری هستند. کانون هماهنگی انجمن های اسلامی با تکرار دروغ ها و تهمت های بی پایه و توجیهانه حزب جمهوری اسلامی به نیروهای مختلف سیاسی، آمریکایی خواندن آنها و بدون ارائه هیچ گونه سندی، جنبش کارگری را با لجن پراکنی های خود مسموم می کند و به این ترتیب در راه اتحاد طبقه کارگر کارشکنی می کند.

کانون هماهنگی انجمن های اسلامی علاوه بر مخالفت با حق برگزاری راهپیمایی از جانب نیروهای مخالف استبداد گران حزب جمهوری اسلامی اعلام می کند: "دانشگاه تا زمانی که اسلامی نشود، باید تعطیل باشد! کانون هماهنگی انجمن های اسلامی، همصدا با استبدادگران حاکم، از تفتیش عقاید، اخراج استادان و دانشجویان و سرکوب آزادی عقیده و بیان در دانشگاه ها پشتیبانی می کند. کانون انجمن های اسلامی کارخانجات با نیازهای جنبش کارگری بیگانه است و عامل سرمایه داران در جنبش کارگری است.

۵- حزب توده و سازمان چریک های فدایی خلق اکثریت : حزب توده و اکثریت فدائیان از همصدایی با رژیم سرمایه داری حاکم به همکاری با رژیم استبداد در سرکوب انقلاب کشیده شد مانند حزب توده و اکثریت فدائیان، با ضد انقلابی قلمداد کردن تظاهرات ۲۳ دی سال، در عمل به تبلیغ سرکوب تظاهرات جهت بازگشایی دانشگاه دست زدند. حزب توده و اکثریت فدائیان به بهانه مبارزه با جناح به اصطلاح "لیبرال" هیات حاکم در سرکوب خواست های آزادی خواهانه زحمتکشان با رژیم سرمایه داری همکاری می کنند.

سرکوب آزادی ها و استقرار استبداد حاکم، جامعه را با بحران سیاسی عمیقی مواجه کرده است. رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ناتوان از پاسخگویی به نیازهای توده ها و ضرورت های انقلاب، به سرکوب توده ها و آزادی های اجتماعی، آزادی بیان، عقیده، تجمع، تشکل، احزاب و مطبوعات روی آورده است. دفاع از آزادی های اجتماعی، دفاع از حق توده ها برای پیشبرد مبارزات خود هم اکنون به مهمترین ضرورت های تداوم انقلاب ایران تبدیل شده است. پایمال کردن حق برگزاری تظاهرات اعتراضی در دفاع از خواست بازگشایی دانشگاهها، توسط دولت جمهوری اسلامی در ۲۳ دی ماه به میدان آزمایش صداقت نیروها و گرایشات اجتماعی موجود در ادعاهای خود تبدیل شد.

۱- دفتر ریاست جمهوری : با اعلام این امر که تظاهرات ۲۳ دی ماه ارتباطی با ریاست جمهوری ندارد، علی-سوا استفاده از نام رئیس جمهور از خود سلب مسئولیت کرد. دفتر ریاست جمهوری در اینکه مبارزه برای آزادی های اجتماعی کوچکترین ارتباطی به مدعیان جدید آزادی خواهی ندارد جای کوچکترین شک و شبهه ای باقی نگذاشت. حق برگزاری تظاهرات اعتراضی حتی در قانون اساسی جمهوری اسلامی، قانونی که جهت پایمال کردن دست آورد های قیام بهمن ماه تدوین شده است، به رسمیت شناخته شده است. در این قانون، رئیس جمهور مسئول اجرای قانون اساسی است. دفتر ریاست جمهوری، علی رغم کلیه جنگالهای آزادی خواهانه آقای بنی صدر، در برابر سرکوب حق برگزاری تظاهرات اعتراضی از خود سلب مسئولیت کرد.

۲- نهضت آزادی : سرمقاله ۲۳ دی ماه روزنامه میزان، ارگان نیمه رسمی نهضت آزادی با عنوان "توطئه سازنده آری توطئه هرگز" به اندازه کافی در مورد ماهیت خویش و این "آزادی خواهان افشاگر است" سرمقاله روزنامه میزان پس از گله و شکایت از آزادی بیان و فعالیت گروه های سیاسی و دانشجویان در دانشگاه می نویسد: "جنبش دانشگاهی محکوم به بستن بود و بهمین دلیل کلیه دولتمداران از رئیس جمهور تا اعضای شورای سابق انقلاب و هیات وزیران در بستن آن شرکت جستند".

روزنامه میزان دست مدعیان جدید آزادی خواهی را کاملاً رو می کند. همانطور که کلیه دولتمداران در سرکوب جنبش دانشجویی، به خون کشیدن دانشگاه ها و تعطیل دانشگاه ها دست داشتند، هم اکنون نیز کلیه دولتمداران در پایمال کردن ابتدایی ترین حقوق مردم و سرکوب تظاهرات اعتراضی جهت بازگشایی دانشگاه ها متفق القولند. هر چند که عدای از آنها، از جمله طرفداران روزنامه میزان، فرصت طلبانه جهت سوار شدن بر جنبش آزادی خواهانه زحمتکشان، از خواست بازگشایی دانشگاه ها در حرف پشتیبانی می کنند.

۳- دبیرخانه کنگره سراسری شوراهای اسلامی ایران :

# افزایش دستمزدها متناسب با افزایش هزینه زندگی

بحران سرمایه‌داری ورشکسته ایران و بحران سیاسی موجود، بحران ورشکستگی سیاسی سیاستمداران مدافع نظام پوسیده، سرمایه‌داری در ایران است. مسئولیت‌گرانی، بحران اقتصادی تولید زیر ظرفیت و ۰۰۰ رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی است، که از منافع سرمایه‌داران، زمین‌داران بزرگ، کارفرما-ها و ۰۰۰ در برابر توده‌های کارگر و زحمتکش دفاع می‌کند.

بحران نظام پوسیده، سرمایه‌داری ربطی به دستمزد بگیران ندارد. آنها که کنترل اقتصاد و جامعه را در دست دارند باید بهای ورشکستگی نظام پوسیده، سرمایه‌داری را، بهای ورشکستگی سیاست‌های سیاستمداران مدافع نظام پوسیده، سرمایه‌داری را بپردازند. دستمزد بگیران باید از حقوق خود، از سطح زندگی خود دفاع کنند، آنها نمی‌توانند بار بحران سرمایه‌داری را بردوش بکشند، و غرامت ورشکستگی و پوسیدگی روابط سرمایه‌داری را بپردازند. دستمزدها باید متناسب با افزایش هزینه زندگی افزایش پیدا کند.

کارگران و دیگر دستمزد بگیران نمی‌توانند به آمار بانک مرکزی، به آمار سرمایه‌داران اعتماد کنند. آنها خودشان باید میزان افزایش هزینه زندگی را و بنابراین میزان افزایش دستمزدها را تعیین کنند. شوراها کارگری موجود باید متحد شوند و شوراها متحد و سراسری کارگران باید با همکاری کمیته‌های مصرف‌کنندگان، کمیته‌های زنان خانهدار و مشورت با حسابداران مورد اعتماد خود میزان افزایش هزینه زندگی را محاسبه کنند. افزایش دستمزدها متناسب با افزایش هزینه زندگی باید به شعار مبارزاتی شوراها کارگری تبدیل شود. ■

بانک مرکزی میزان افزایش قیمت‌ها را تا آبان ماه بین ۲۰ تا ۳۶/۳ درصد اعلام کرده است. آمار بانک مرکزی به افزایش بهای عمده، فروشی مربوط می‌شود و نه خورد و فروشی. معمولاً میزان افزایش قیمت‌های خورد و فروشی (افزایش قیمت‌ها برای مصرف‌کنندگان) بیشتر از میزان افزایش قیمت‌های عمده، فروشی است. علاوه بر این آمار بانک مرکزی با واقعیت زندگی روزمره منطبق نیست و میزان واقعی افزایش قیمت‌ها بسیار بیشتر از ۳۶/۳ درصد است.

ولی حتی اگر آمار رسمی بانک مرکزی را هم در نظر بگیریم، دستمزدها در طی همین مدت به میزان ۳۶/۳ درصد افزایش پیدا نکرده‌اند. به عبارت دیگر قدرت خرید دستمزد بگیران در طی همین مدت، بیشتر از ۳۶/۳ درصد کاهش یافته است. در واقع دستمزد بگیران بار بحران اقتصادی و افزایش سرسام‌آور هزینه زندگی را بردوش می‌کشند. برای حفظ زندگی بخور و نمیر اکثریت دستمزد بگیران، دستمزدها باید متناسب با افزایش هزینه زندگی افزایش پیدا کنند.

کارگران و دیگر دستمزد بگیران مسئول بحران اقتصادی و افزایش سرسام‌آور هزینه زندگی نیستند. آنها در تعیین سیاست‌های اقتصادی هیچ‌گونه مداخله‌ای ندارند. آنها بر قوانین کور اقتصادی نظام پوسیده، سرمایه‌داری هیچ‌گونه کنترلی ندارند. جنگ، محاصره، اقتصادی امپریالیستی، تولید زیر ظرفیت، کمبود مواد اولیه و ۰۰۰ هیچ‌یک به تنهایی عامل افزایش سرسام‌آور هزینه زندگی نیستند. علت اصلی افزایش مرتب و سرسام‌آور هزینه زندگی ادامه سلطه نظام سرمایه‌داری در ایران است. بحران اقتصادی موجود

## تخریب محله‌های...

می‌تواند بهای اجاره خانه را کاهش دهد.

۳- دولت باید کلیه شرکت‌های ساختمانی را ملی کند و برنامه‌های وسیع خانه‌سازی را طرح و اجرا کند. این

به حل مسئله، بیکاری نیز کم خواهد کرد.

۴- برای جلوگیری از مهاجرت روستائیان باید جلوی تلاشی شدن تولید کشاورزی گرفته شود. حل انقلابی مسئله زمین توسط شوراها منتخبات دهقانان در دستور کار قرار بگیرد. ■

### کارگران مبارز

با توجه به بحران جامعه و ناتوانی هیات حاکم در رفع آن، خارج چاپ و پخش نشریات همچون سایر مایحتاج زندگی بشکل سرسام‌آوری بالا رفته است. ما برای اینکه بتوانیم نشریه کارگران سوسیالیست را بطور مرتب بدست شما کارگران مبارز و زحمتکش برسانیم احتیاج به کمک‌های مالی شما داریم.

نشریه کارگران سوسیالیست، نشریه‌ای است در خدمت پیشبرد مبارزات کارگران و زحمتکشان، نشریه‌ای است که برای کارگران مبارز و به کمک آنان نوشته می‌شود. اگر خواهان چاپ و پخش مرتب آن هستید کمک‌های مالی خود را از طریق فروشندگان نشریه بدست ما برسانید.

## برای چاپ و پخش

## کارگران سوسیالیست

## به کمک‌های مالی شما

## نیازمندیم.



# آموزش سوسیالیستی: انقلاب مداوم

مقدمه:

تبعیض، امکانات رهایی آنها را از چهار دیواری محدود خانه و شرکت وسیع آنان در تولید اجتماعی و زندگی سیاسی و فرهنگی جامعه را فراهم آورد. باید کلیه تبعیضات قانونی و سنتی علیه زنان را لغو کرد و کلیه روابط بوسیدگی، پد رسالارانه را کنار گذاشت. برای نجات جامعه از شر کلیه خرافات و تعصبات گذشته و رهایی آن از بیسوادی، امکانات عظیم آموزشی و کسب مهارت های فنی را برای کلیه افراد جامعه فراهم کرد. برای آنکه اکثریت عظیم جامعه، توده های وسیع کارگر، زحمتکش و ستمدیده بتوانند در تعیین سرنوشت خود نقشی تعیین کننده داشته باشند باید کلیه حقوق دموکراتیک، آزادی بیان، عقیده، تجمع، تشکل، مطبوعات احزاب آزادی سازمان های صنفی و سیاسی زحمتکش (شوراها، اتحادیه ها و...) به رسمیت شناخته شود. باید شکنجه و زندان سیاسی وجود نداشته باشد. باید امنیت قضایی در جامعه بوجود آید، و برای مبارزین سیاسی پرونده سازی نشود، باید برای کلیه متهمین حق دفاع از خود (حق برخورداری از دادگاه علنی با حضور هیئت منصفه و وکیل مدافع و براساس قوانین نوشته شده) وجود داشته باشد و...

طبقات دارا در جوامع تحت سلطه: در جوامع تحت

سلطه امپریالیزم طبقات دارا، سرمایه داران و زمین داران بزرگ، موقعیت ممتاز خود را مدیون سلطه امپریالیزم بر این جوامع، مدیون ادغام بازار ملی جوامع تحت سلطه در بازار جهانی سرمایه و مدیون رشد اقتصاد این جوامع براساس نیازهای امپریالیزم هستند. طبقات دارا، سرمایه داران و زمین داران بزرگ در جوامع تحت سلطه امپریالیزم هیچ راه حلی برای پایان بخشیدن به فقر، بیسوادی، عقب افتادگی، استبداد، ستم و تبعیض که این جوامع از آن رنج می برند ندارند. سرمایه داری در جوامع عقب افتاده بخاطر عجز و ناتوانیش در پاسخگویی به نیازهای این جوامع برای رهایی از عقب افتادگی ناشی از سلطه امپریالیزم، در برابر مبارزه موثر برای پایان بخشیدن به سلطه امپریالیزم مقاومت خواهد کرد.

حکومت کارگران و دهقانان: در جوامع تحت سلطه

امپریالیزم، برای پایان بخشیدن به فقر، بیسوادی، عقب افتادگی، استبداد، تبعیض، ستم و سلطه امپریالیزم برای حل مسایل تولید کشاورزی و پاسخگویی به مشکلات رشد صنعتی، از یکسو به دگرگونی انقلابی در روابط و شیوه های تولیدی در روستا توسط شوراها و دهقانی و از جانب دیگر به برنامه ریزی تولید توسط شوراها و کارگری نیاز هست. برای پاسخگویی به کلیه نیازهای توده های کارگر، زحمتکش و ستمدیده جامعه، برای حل کلیه تکالیف و وظایف انقلاب

انقلاب مداوم در جوامع تحت سلطه امپریالیزم، بحران عمیق انقلاب ایران، (بحران اقتصادی: کاهش شدید تولید کشاورزی، متوقف شدن تولید و یا تولید زیر ظرفیت در اکثر منابع، بیکاری روزافزون و افزایش سرسام آور هزینه زندگی، بحران اجتماعی و فرهنگی: استبداد و خفقان حاکم، مجازات های وحشیانه (شلاق زدن، سنگسار کردن)، شکنجه، سرکوب آزادی بیان، عقیده، تجمع، مطبوعات احزاب، تعطیل دانشگاه ها و دیگر مراکز آموزشی، مداخله دولت در خصوصی ترین امور زندگی فردی و سرکوب خلاقیت های هنری، بحران عمیق سیاسی: بی اعتباری و رسوایی هر چه بیشتر رژیم حاکم، بی اعتمادی توده های کارگر، زحمتکش و ستمدیده جامعه نسبت به رژیم حاکم، شکاف عمیق سیاسی میان سردمداران حکومتی، بی اعتمادی نسبت به رژیم حاکم حتی در میان بازاربان و دیگر اقشار طبقات دوا، و از همه مهمتر ناتوانی و بی میلی رژیم حاکم در سازماندهی مقاومت موثر در برابر تهاجم نظامی امپریالیستی دولت عراق به انقلاب ایران از طریق بسیج عمومی و مسلحانه کلیه کارگران، زحمتکشان و ستمدیدگان ایران. بخصوص از طریق مسلح کردن هسته های کارگری توسط شوراها و نمایندگان منتخب کارگران و کارخانجات و...) بحرانی است ناشی از ادامه روابط بوسیدگی سرمایه داری. بحران عمیق انقلاب ایران از ناتوانی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی در پاسخ گویی به ابتدایی ترین نیازهای توده های کارگر، زحمتکش و ستمدیده جامعه، بحران انقلاب ایران از بی کفایتی و ناتوانی این رژیم سرمایه داری در حل تکالیف و وظایف انقلاب ایران ناشی می شود.

تکالیف انقلاب در جوامع تحت سلطه امپریالیزم: ادغام

بازار جوامع تحت سلطه امپریالیزم در بازار جهانی. اقتصاد ملی این جوامع را متلاشی کرده است و عقب افتادگی را بر این جوامع تحمیل کرده است. علیرغم سلطه روابط بوسیدگی سرمایه داری بر این جوامع روابط بوسیدگی تر ماقبل سرمایه داری روابط نئودالی و شبه نئودالی، شیوه های تولیدی ماقبل سرمایه داری، فرهنگ منحط پد رسالاری و استبداد هنوز در این جوامع به خاطر عقب افتادگی ناشی از سلطه امپریالیزم از میان نرفته اند. در جوامع تحت سلطه امپریالیزم برای پایان بخشیدن به عقب افتادگی و کلیه کثافات گذشته، باید به سلطه امپریالیزم پایان داد. برای پایان بخشیدن به فقر و بیسوادی توده های وسیع کارگر، زحمتکش و ستمدیده باید از یکسو به برنامه ریزی اقتصادی روی آورد و از جهت دیگر به حل انقلابی مسئله تولید کشاورزی دست زد. باید به استبداد، ستم و تبعیض پایان داد. باید برای پایان دادن به ستم ملی حق تعیین سرنوشت ملیت های ستمدیده را برسمیت شناخت و برای رهایی زنان از قون ها ستم و

استبداد سلطنتی بخصوص ارتش و برای ضربه زدن به گین جنبش تودهای سیاست انتقال آرام قدرت از طریق مذاکتنه سرمداران کنونی رژیم جمهوری اسلامی را در پیستش (واقعیات مذاکرات پشت پرده) بعضی از سردمداران کنونی با پادوهای امپریالیزم آمریکا برکسی پوشیده نیست) زمانی که ناتوانی رژیم جمهوری اسلامی در دفاع از منافع امپریالیزم و حفظ روابط پوسیده، سرمایه‌داری برای امپریالیزم آمریکا آشکار شد، سیاستمداران کنونی سفید پشیمانی خود را از رژیم جمهوری اسلامی قطع نمودند و به حمایت مادی و سیاسی ضد انقلابیون فراری از قبیل بختیار، پالیزمان، اویسی و... روی آوردند. امپریالیزم آمریکا از طریق ضربه انقلابیون فراری تدارک کودتاها را دست راستی را توسط فرماندهانی که به وسیله سردمداران رژیم جمهوری اسلامی دوباره در ارتش مستقر شده بودند، آغاز کرد. امپریالیزم آمریکا ماجراجویی عملیات کماندویی در طیس را که تجاوزی آشکار به انقلاب ایران بود سازمان داد. امپریالیزم جهانی به رهبری سیاسی امپریالیزم آمریکا انقلاب ایران را در محاصره اقتصادی قرار داد. است. تهاجم نظامی دولت عراق به انقلاب ایران نیز جهت فرسوده کردن نیروهای انقلاب ایران و به عقب راندن جریان انقلاب مداوم در ایران با حمایت و تحریک امپریالیزم آمریکا صورت گرفته است.

دشمنی آشکار سرمایه‌داری انحصاری جهانی و بخصوص رهبری سیاسی-نظامی آن، امپریالیزم آمریکا با انقلاب ایران به روشنی به دلیل به خطر افتادن منافع سرمایه‌داری جهانی در ایران و منطقه توسط انقلاب ایران از یکسو و از جهت دیگر برهم خوردن تناسب نیروهای انقلاب و ضد انقلاب در سطح منطقه و جهان به نفع انقلاب به خاطر انقلاب ایران است.

با پیروزی قیام بهمن ماه ۵۷ و سرنگونی استبداد پهلوی انقلاب سوم ایران آغاز شد. متلاشی شدن دستگاه‌های سرکوب دولت سرمایه‌داری مهمترین مانع را از سر راه گسترش مبارزات توده‌های کارگر، زحمتکش و ستمدیده، جامعه (توده‌هایی که با مبارزات ضد استبدادی خود رژیم وحشی سلطنتی را سرنگون کرده بودند)، برای کسب خواست‌های برحق و انقلابی آنها برداشته شد. متلاشی شدن دستگاه سرکوب دولت مرکزی مهمترین مانع را از سر راه گسترش مبارزات کارگران، زحمتکشان و ستمدیدگان جامعه برای رهایی از سلطه امپریالیزم و پایان بخشیدن به فقر، عقب افتادگی، ستم و تبعیض برداشت. با متلاشی شدن دستگاه سرکوب دولت مرکزی سرمایه‌داری، جریان انقلاب مداوم در ایران آغاز شد و چشم‌انداز استقرار حکومت کارگران و دهقانان گشوده شد.

با سرنگونی رژیم استبداد سلطنتی و اندام امپریالیزم در منطقه سرنگون شد و به این ترتیب رژیم‌های ارتجاعی حاکم در منطقه یکی از مهمترین پشتیبانان خود را از دست دادند و تناسب نیروها در منطقه به ضرر نیروهای ضد انقلاب تغییر کرد. علاوه بر این کارگران، زحمتکشان و ستمدیدگان

در جوامع عقب افتاده باید به سلطه روابط پوسیده سرمایه‌داری در جامعه پایان داد.

هیچ یک از طبقات و اقشار میانی جوامع تحت سلطه امپریالیزم قادر به ارائه برنامه انقلابی برای حل کلیه وظایف و تکالیف انقلاب نیستند. هیچ یک از طبقات و اقشار میانی جوامع تحت سلطه امپریالیزم قادر به ارائه برنامه انقلابی برای پایان بخشیدن به سلطه امپریالیزم و روابط پوسیده سرمایه‌داری نیستند. تنها بدور برنامه انقلابی طبقه کارگر، برنامه‌ای که کلیه خواست‌های انقلابی توده‌های زحمتکش و ستمدیده، جامعه را از آن خود کرده است می‌توان اکثریت عظیم جامعه را، توده‌های وسیع کارگران، زحمتکشان و ستمدیدگان را برای حل وظایف و تکالیف انقلاب متحد کرد. تنها با استقرار حکومتی کارگری که بر توده‌های وسیع زحمتکشان و ستمدیدگان جامعه متکی باشد می‌توان قدم‌های ضروری جهت حل کلیه تکالیف و وظایف انقلاب را برداشت. تنها با استقرار حکومتی کارگری می‌توان به سلطه سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ پایان داد و برنامه ریزی اقتصادی در خدمت منافع اکثریت جامعه و توسط خود آنان را آغاز کرد. برنامه ریزی اقتصادی که چشم‌انداز رفاه عمومی و استقرار سوسیالیسم را نشان خواهد داد.

انقلاب مداوم در جوامع تحت سلطه امپریالیزم: مقدمه  
کنونی در واقع مروری است بر بخش اول مقاله انقلاب مداوم که در شماره گذشته کارگران سوسیالیست (۱۳) به تفصیل نظریه انقلاب مداوم در جوامع تحت سلطه امپریالیزم را به بحث گذاشته بود.

بطور خلاصه نظریه انقلاب مداوم در جوامع تحت سلطه امپریالیزم ضرورت استقرار حکومت کارگران و دهقانان، یعنی ضرورت استقرار دوتی کارگری متکی بر پشتیبانی توده‌های وسیع زحمتکش و ستمدیده، جامعه را برای پایان بخشیدن به سلطه امپریالیزم، نظام پوسیده سرمایه‌داری، فقر، بیسودی، عقب افتادگی، استبداد، تبعیض و ستم، برای حل انقلابی مسائل دهقانان و تولید کشاورزی و همچنین پاسخگویی به نیازهای رشد صنعتی را بیان می‌کند. نظریه انقلاب مداوم بر ضرورت برنامه ریزی اقتصادی توسط توده‌های وسیع کارگران، زحمتکشان و ستمدیدگان جامعه و در خدمت منافع آنها بر لزوم حاکمیت کارگران، زحمتکشان و ستمدیدگان جامعه در تعیین سرنوشت خودشان تاکید می‌کند.

## گسترش انقلاب

تهاجم نظامی امپریالیستی دولتی عراق به انقلاب ایران در واقع ادامه سیاست‌های رهبری سیاسی-نظامی سرمایه‌داری انحصاری جهانی، یعنی امپریالیزم آمریکا در برابر انقلاب ایران بود. امپریالیزم آمریکا تا آخرین لحظه از رژیم منقر سلطنت پشتیبانی کرد. زمانی که سرنگونی رژیم سلطنت و دولت بختیار قطعی شد پادوهای امپریالیزم آمریکا از قبیل هوپز برای حفظ دستگاه‌های



انقلاب های مداوم و استقرار حکومت های کارگری را در دستور روز قرار خواهد داد .

رژیم جمهوری اسلامی که از چشم انداز تداوم انقلاب ایران یعنی استقرار حکومت کارگران و دهقانان در ایران ، سرنگونی رژیم صدام حسین و متزلزل شدن پایه های رژیم های ارتجاعی منطقه و آغاز دوران گشایش های انقلابی در منطقه و گسترش زنجیره وار و مداوم انقلاب در خاور میانه بیش از شکست نظامی از ارتش عراق و حتی مداخله مستقیم نظامی امپریالیسم و شکست نظامی از امپریالیسم هراس دارد از سازماندهی موثر مقاومت در برابر تهاجم نظامی امپریالیستی دولت عراق سرمایه میزند و از آن بدتر در سازماندهی مقاومت تخریب می کند . رژیم سرمایه داری حاکم بر ایران از بسیج متحد و مسلحانه کلیه کارگران ، زحمتکشان و ستمدیدگان ایران ، بخصوص مسلح کردن مردم مناطق جنگ زد ، خودداری می کنند . در بسیاری از موارد ، با خلع سلاح مردم مناطق جنگ زد ، مقاومت در برابر تجاوزات رژیم عراق را تخریب کرده است . رژیم جمهوری اسلامی با کارشکنی علیه جنبش شورایی زحمتکشان ، مانع تشکیل هسته های مسلح کارگری تحت کنترل شورا های نمایندگان منتخب کارگران کارخانجات شده است تنها به این دلیل که تداوم انقلاب ایران سلطه روابط پوسیده سرمایه داری را به خطر می اندازد . نقش رژیم جمهوری اسلامی در مخالفت با سازماندهی موثر مقاومت در برابر تهاجم نظامی امپریالیستی برای بار دیگر نشان می دهد که هیچ رژیم سرمایه داری در جوامع عقب افتاده و تحت سلطه امپریالیسم نه تنها قادر و مایل به پاسخگویی به ضرورت ها و نیازهای انقلاب نیست بلکه خود بصورت مانعی در راه حل کامل کلیه وظایف و تکالیف انقلاب در خواهد آمد .

تداوم انقلاب ، گسترش انقلاب : با رهایی از سلطه امپریالیسم ، سرنگونی دولت سرمایه داری و استقرار حکومت کارگران و دهقانان در جوامع عقب افتاده انقلاب بهیچوجه پایان نمی پذیرد . برای حفظ دست آوردهای انقلاب و حکومت کارگران و دهقانان در برابر تهاجمات و توطئه های امپریالیسم و ارتجاع جهانی دولت کارگری باید پشتیبانی حامیان واقعی انقلاب یعنی کارگران ، زحمتکشان و ستمدیدگان جهان را به انقلاب جلب کند .

نظام پوسیده سرمایه داری جهانی ، یعنی امپریالیسم جهانی اگرچه نظامی بهم پیوسته است ولی در عین حال نظام ناموزن و ناهمگون نیز هست . این نظام در ضعیفترین حلقه های خود در هم می شکند . پیروزی انقلاب در ضعیفترین حلقه نظام امپریالیستی و در مجردهای ملی گسترش زنجیره وار و مداوم انقلاب را در حلقه های بعدی زنجیر امپریالیسم به همراه دارد . انقلاب اگرچه صادر کردنی نیست به خصوص آنکه نمی توان انقلاب را به زور نیروی اسلحه صادر کرد ، ولی پشتیبانی سیاسی و مادی از گسترش انقلاب در حلقه های بعدی زنجیر امپریالیسم ، تا سرنگونی کامل نظام پوسیده امپریالیستی از وظایف انقلاب و حکومت کارگران و دهقانان است .

جهان و منطقه از روحیه مبارزه جوانه کارگران ، زحمتکشان و ستمدیدگان ایران ، از مبارزات آنها ، اهداف مبارزات آنها و شیوه های مبارزاتی آنها الهام می گیرند ، روحیه مبارزه جوانه آنها تقویت می شود و مبارزات خود را با الهام گرفتن از انقلاب ایران گسترش می دهند .

امپریالیسم جهانی و رژیم های ارتجاعی منطقه برای مقابله با گسترش انقلاب ایران به نحاس و ایراد تهمیست و افترا علیه انقلاب ایران و به ارتجاعی قلمداد کردن انقلاب ایران روی آورد . اقدامات ارتجاعی سردمداران رژیم جمهوری اسلامی مانند اعمال مجازات های وحشیانه و ضد انسانی از قبیل شلاق زدن و سنگسار کردن و محتسبای ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی که مهتر از همه شامل استقرار حاکمیت روحانیت بجای حاکمیت مردم و بخصوص اصل ولایت فقیه می شود ، در خدمت حملات تبلیغی امپریالیسم ، ارتجاع جهانی و رژیم های ارتجاعی منطقه علیه انقلاب ایران و علیه نفوذ آن در میان کارگران ، زحمتکشان و ستمدیدگانی که راه رهایی از سلطه امپریالیسم را جستجو می کنند قرار گرفته است . اقدامات ارتجاعی سردمداران رژیم جمهوری اسلامی و محتسبای ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی در خدمت منزوی کردن انقلاب ایران از حامیان آن یعنی کارگران ، زحمتکشان و ستمدیدگان جهان قرار گرفته است و به وسیله ای در دست امپریالیسم جهانی و رهبری سیاسی نظامی آن امپریالیسم آمریکا جهت تدارک تهاجم نظامی مستقیم علیه انقلاب ایران تبدیل شده است .

انقلاب ایران علیرغم اقدامات ضد انقلابی رژیم جمهوری اسلامی اثر خود را بر کارگران ، زحمتکشان و ستمدیدگان منطقه اثر خود را بر کارگران ، زحمتکشان و ستمدیدگان منطقه گذاشته است . انقلاب کردستان و جنبش ملی خلق کرد ، الهام بخش گسترش مبارزات کرد های عراق علیه ستم ملی شده است . زحمتکشان و ستمدیدگان جنوب عراق که دارای پیوندهای نزدیک عاطفی و مذهبی با مردم زحمتکش ایران هستند ، از مبارزات زحمتکشان ایران عمیقاً تاثیر پذیرفته اند . انقلاب ایران پایه های کلیه رژیم های ارتجاعی حاکم بر منطقه را به لرزه در آورده است . امپریالیسم جهانی از نفوذ و گسترش انقلاب ایران و متزلزل شدن پایه های سلطه اش در منطقه شدیداً به هراس افتاده است . تهاجم نظامی امپریالیستی دولت عراق به انقلاب ایران نیز در همین رابطه ضرورت گرفته است .

پیروزی انقلاب ایران بر تهاجم نظامی امپریالیستی دولت عراق ، سرنگونی رژیم سرمایه داری حاکم بر عراق را برای کارگران زحمتکشان و ستمدیدگان عراقی آسان خواهد کرد و جریان انقلاب مداوم در عراق آغاز خواهد شد . سرنگونی رژیم صدام نه تنها انقلاب ایران را تقویت خواهد کرد ، نه تنها جنبش مقاومت فلسطین را در مبارزه علیه رژیم نژاد پرست اسرائیل تقویت خواهد کرد ، بلکه پایه های کلیه رژیم های ارتجاعی منطقه را متزلزل خواهد کرد و گسترش زنجیره وار

نیز هست. رشد نیروهای تولیدی در سطح جهانی، تقسیم جهانی کار، پیشرفت تمدن بشری را در چارچوب روابط سرمایه‌داری و تولید برای سود بگهین بسط و گسترش داده است و شرایط را برای انقلاب جهانی، برای پایان بخشیدن به نظام طبقاتی و مبارزه برای استقرار سوسیالیسم فراهم کرده است. بشریت هم‌اکنون در دوران تاریخی انتخاب میان سوسیالیسم و یا بربریت توار گرفته است.

**سه بخش انقلاب جهانی:** دوران انحطاط و پوسیدگی نظام سرمایه‌داری جهانی دوران انقلاب جهانی است. مبارزه برای سرنگونی امپریالیسم جهانی در ضعیف‌ترین حلقه‌های زنجیر امپریالیسم منجر به پیروزی انقلاب در محدودهٔ فلسینی، پایان بخشیدن به سلطهٔ طبقات دارا در محدودهٔ فلسینی و استقرار حکومت کارگران و دهقانان در محدودهٔ ملی می‌شود. پیروزی انقلاب کارگری در ضعیف‌ترین حلقه‌های زنجیر امپریالیسم، و با بیداری شرایط انقلابی در ضعیف‌ترین حلقه، زنجیر امپریالیسم و روشن شدن چشم انداز انقلابی در حکومت کارگری، به گسترش انقلاب در حلقه‌های بعدی زنجیر امپریالیسم کمک می‌کند.

دوران انحطاط و پوسیدگی نظام سرمایه‌داری جهانی، دوران انقلاب جهانی برای استقرار جامعهٔ سوسیالیستی است. اما در جوامع مختلف، در بخش‌های مختلف جهان برای برداشتن کلیهٔ موانع در راه رسیدن به سوسیالیسم انقلاب وظایف و تکالیف ویژه‌ای دارد. بطور کلی انقلاب جهانی سراسری وظایف و تکالیف آن به سه بخش اساسی تقسیم می‌شود:

**۱- انقلاب در جوامع تحت سلطهٔ وظایف و تکالیف:** انقلاب در جوامع تحت سلطهٔ امپریالیسم در بخش اول این مسأله مقاله به تفصیل به بحث گذاشته شده است. در جوامع تحت سلطه برای رهایی از سلطهٔ امپریالیسم و پایان بخشیدن به فقر، عقب افتادگی، بیهواری، ستم، تبعیض، ... استقرار حکومت کارگران و دهقانان ضروری است. استقرار حکومتی کارگری، متکی به توده‌های وسیع روستاها و صنعتی‌گستران جامعه، و استقرار نظام اقتصاد با برنامه ضروری است.

**۲- انقلاب در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری:** امپریالیسم در مرکز خود، یعنی در کشورهای پیشرفتهٔ سرمایه‌داری مدت‌ها است که به دوران پائینی خود، به دوران انحطاط و پوسیدگی رسیده است. هم‌اکنون سرمایه‌داری جهانی بسا بحران‌های عظیم مانی، بحران اضافه تولید و رکود در آن واحد زیور است. گسترش روزافزون بحران‌ها و افزایش هزینه‌های زندگی بخش مهمی از طبقهٔ کارگر صنعتی کشورهای پیشرفتهٔ سرمایه‌داری را به زندگی پر از فقر و فلاکت تهدید می‌کنند. طبقهٔ کارگر اروپا، یکبار با شکست خود که به پیروزی فاشیسم و شعله ور شدن جنگ جهانی دوم امپریالیستی منجر شدند، بهای سنگینی را پرداخت. بحران کنونی، در صورتی که بستهٔ پیروزی طبقهٔ کارگر منجر نشود چشم‌اندازی روشن‌تر از این فاشیسم و جنگی دوم امپریالیستی ترسیم می‌کند:

طبقهٔ کارگر کشورهای پیشرفتهٔ سرمایه‌داری با وظایف

### امپریالیسم و انقلاب جهانی

**امپریالیسم و انقلاب جهانی:** سرمایه‌داری، با تبدیل خود به نظامی جهانی به دوران انحطاط و پوسیدگی خود نیز وارد شد. به درستی امپریالیسم دوران جنگ‌ها و انقلاب‌ها نامیده شده است. امپریالیسم دوران جنگ‌های امپریالیستی برای تجدید تقسیم جهان میان انحصارات سرمایه‌داری و همچنین دوران انقلاب‌های مداوم، توسط طبقهٔ کارگر و حامیان آن علیه نظام دزدی، غارت و تجاوز جهانی است. در دوران امپریالیسم، دوران انحطاط و پوسیدگی نظام سرمایه‌داری، پیشرفت دانش و علوم، رشد تکنولوژی و نیروهای تولیدی نه تنها به گسترش رفاه و فراوانی منجر نمی‌شود بلکه برعکس، در خدمت تخریب تمدن بشری، در خدمت نظامی‌گری و صنایع و تولیدات نظامی قرار می‌گیرد. با وجود گسترش امکانات تولید، بخش عظیم بشریت از فقر و فلاکت، بیهواری، عقب افتادگی و گرسنگی رنج می‌برد و هزاران نفر که می‌گذرد بر فقر و فلاکت توده‌های محروم جوامع عقب افتاده افروز می‌شود.

در دوران امپریالیسم، دوران انحطاط و پوسیدگی نظام سرمایه‌داری، رشد نیروهای تولیدی حتی به رفاه بیشتر کارگران و روستاها در کشورهای امپریالیستی منجر نمی‌شود. سرمایه‌داری جهانی با بحران‌های دائمی و متناوب، بسا بحران‌های تولید اضافی که چشم‌انداز بیگاری گسترده را به واقعیت تبدیل کرده است روبرو است.

دوران امپریالیسم، دوران انحطاط و پوسیدگی نظام سرمایه‌داری، دوران وحشی‌گری‌های شریک‌نابل تصور سرمایه‌داری است. سرمایه‌داری جهانی در دوران مرگ و احتضار خود به حد اکثر وحشی‌گری روی آورده است. در مورد جنایات و وحشی‌گری‌های دوران انحطاط و مرگ سرمایه‌داری جهانی می‌توان کتاب‌ها نوشت. در جنگ تنظیم امپریالیستی و جهانی، استقرار فاشیسم، گسترش میلیون‌ها نفر در کوره‌های آدم سوزی، اسد ام دو شهر بر جمعیت توسط بمب اتمی، جنایات امپریالیسم در جنگ ویتنام، کره، الجزایر، ... قتل مسام توده‌های وسیع روستاها در اندونزی، شیلی، ... استقرار دیکتاتوری‌های وحشی نظامی و غیر نظامی و حاکمیت رژیم‌های مستبد نشاندهندهٔ امپریالیسم، رژیم‌های خفقان، اسد ام و شکنجه بر مردم محروم جوامع تحت سلطهٔ امپریالیسم، تنها نمونه‌هایی از وحشی‌گری‌های سرمایه‌داری جهانی در دوران انحطاط و مرگ آن را بازگو می‌کنند. در دوران وحشی‌گری امپریالیست جنایات امپریالیسم چشم‌انداز ویران‌کنندهٔ شعله‌ور شدن سومین جنگ جهانی، جنگی که استفاده از نیروی مبدع می‌کنند، بمب اتمی در آن اجتناب ناپذیر خواهد بود، آسایش فکری را از کل بشریت سلب کرده است.

دوران امپریالیسم، دوران انحطاط، پوسیدگی و احتضار سرمایه‌داری جهانی، دوران تاریخی برای سرنگونی این نظام جهانی، دوران انقلاب جهانی و مبارزه برای سوسیالیسم



در مورد رسیدن به خود کفایی، بجای چشم انداز جامعه سوسیالیستی رفاه و فراوانی، چشم انداز ارتجاعی فقر و فلاکت عمومی را نوید می دهند. رشد نیروهای تولیدی در سطح جهانی، برنامه ریزی اقتصاد جهانی را با تجدید نظر در تقسیم جهانی کار به نفع جوامع عقب افتاده و در جهت افزایش رفاه کلیه مردم جهان ممکن می کند. طبقه کارگر به جای عقاید ارتجاعی رسیدن به خود کفایی و استقرار سوسیالیسم در یک کشور باید با چشم انداز انقلاب جهانی و همبستگی جهانی طبقه کارگر مسلح شود.

### خلاصه نظریه انقلاب مداوم

۱- دوران امپریالیسم، دوران انحطاط، پوسیدگی و احتضار سرمایه داری جهانی است. دوران انقلاب جهانی است. در این دوران تاریخی بشریت بر سر دو راهی انتخاب میان سوسیالیسم و یا بربریت قرار گرفته است. انقلاب جهانی از محدود ملی و از ضعیف ترین حلقه های زنجیر امپریالیسم آغاز می شود و به حلقه های بعدی این زنجیر گسترش می یابد.

۲- انقلاب جهانی از سه بخش تشکیل شده است. الف: انقلاب در کشورهای پیشرفته سرمایه داری، با هدف استقرار حکومت کارگری و نظام اقتصاد با برنامه. ب: انقلاب سیاسی در کشورهای منحل کارگری، با هدف سرنگونی بوروکراسی دولتی و استقرار دموکراسی شورایی و احیای آزادی احزاب. انقلاب سیاسی در کشورهای منحل کارگری به این مفهوم است که در پایه های نظام اقتصاد با برنامه هیچ گونه تغییر انقلابی صورت نخواهد گرفت.

ج: انقلاب در جوامع تحت سلطه امپریالیسم با وظیفه رهایی از سلطه امپریالیسم و حاکمیت طبقات دارا و پایان بخشیدن به فقر، بیسوادی، عقب افتادگی، ستم و تبعیض روبرو است. انقلاب در جوامع تحت سلطه امپریالیسم باید به استقرار حکومت کارگران و دهقانان، به استقرار حکومتی کارگری که با پشتیبانی توده های وسیع زحمتکش و ستمدیدگان جامعه، به برنامه ریزی اقتصادی در خدمت جامعه و رهایی از عقب افتادگی دست می زند، منتهی شود.

۳- از سرنگونی رژیم سرمایه داری، تا رسیدن به سوسیالیسم و جامعه بی طبقه به یک دوران گذار نیاز هست. مبارزه طبقاتی با استقرار حکومت کارگری به پایان نمی رسد، بلکه مبارزه طبقه کارگر علیه جامعه طبقاتی شکل خود را عوض می کند. طبقه کارگر در مبارزه خود علیه جامعه طبقاتی به نیروهای متشکل و سازمان یافته خود، به دولت خود و به نظام اقتصاد با برنامه نیازمند هست. اقتصاد جامعه دردوران گذار اقتصاد سوسیالیستی نیست، در حالی که تولید اجتماعی می شود ولی توزیع هنوز بر اساس قوانین بازار و عرضه و تقاضا صورت می گیرد. پایان دوران سرمایه داری و پیروزی انقلاب جهانی، حداقل پیروزی انقلاب در کشورهای پیشرفته صنعتی، برنامه ریزی اقتصاد در سطح جهانی را برای رسیدن به جامعه سوسیالیستی، جامعه رفاه و فراوانی، جامعه بی طبقه و جامعه بدون تخاصمات طبقاتی و دولت را ممکن می سازد.

سرنگونی سرمایه داری و استقرار دولت کارگری روبرو است. ۳- انقلاب در کشورهای منحل کارگری: به دلایل تاریخی اولین انقلاب پیروزمند کارگری، انقلاب اکتبر در شوروی دچار انحطاط شد. در حالی که پایه های نظام اقتصاد با برنامه که مهمترین دست آورد انقلاب کارگری بودند هنوز دست نخورده باقی مانده اند ولی بسیاری از دست آوردهای انقلاب توسط دیوانسالاری دولتی، که مانند انگلی از بدنه دولت کارگری تغذیه می کند به عقب رانده شده است. دیوانسالاری استالینی، دموکراسی شورایی را از میان برد. در ا. ج. س. پس از پیروزی ارتجاع استالینیستی و انحطاط بوروکراتیک آن برنامه ریزی اقتصاد بجای آنکه توسط شوراهای نمایندگان منتخب کارگران صورت بگیرد، توسط دیوانسالاران و صاحب مقامان عالی رتبه دولتی صورت می گرفت. برنامه ریزی بوروکراتیک اقتصاد، عامل ناهنجاری های اقتصادی بسیاری در دولت کارگری شوروی شده است. کلیه جوامعی که توانسته اند توسط انقلاب پیروزمند کارگری و یا به خاطر متلاشی شدن دولت سرمایه داری بر اثر حضور ارتش سرخ از شر حاکمیت طبقات دارا راحت شوند، و حکومتی کارگری در آن جوامع مستقر شده است، از ناهنجاری های بوروکراتیک به درجات متفاوت رنج می برند.

وظیفه انقلاب در کشورهای منحل کارگری، تغییر روابط اقتصادی، و به عبارت دیگر انقلاب اجتماعی نیست. طبقه کارگر در این جوامع باید با سرنگونی دیوانسالاری دولتی، دموکراسی شورایی و آزادی احزاب شورایی کارگران را دوباره احیا کند. مبارزات ضد بوروکراتیک کارگران لهستان نمونه درخشانی بود از مبارزات طبقه کارگر در کشورهای منحل کارگری برای پایان بخشیدن به استبداد بوروکراسی و استقرار دموکراسی شورایی بطور خلاصه در کشورهای منحل کارگری انقلاب سیاسی ضروری است و نه انقلاب اجتماعی در روابط و مناسبات تولیدی.

### حکومت کارگری و سوسیالیسم

حکومت کارگری و سوسیالیسم: با استقرار حکومت کارگری در محدوده ملی مبارزه طبقاتی طبقه کارگر تمام نمی شود. طبقه کارگر برای نابودی جامعه طبقاتی به برنامه ریزی اقتصادی و انقلاب های مداوم در شیوه ها و روابط تولیدی نیاز دارد. علاوه بر این طبقه کارگر در مبارزه خود برای حفظ نظام اقتصاد با برنامه، در مبارزه علیه کلیه طبقاتی که جهت بازگشت نظام سرمایه داری به خرابکاری و توطئه مشغولند حتی جنگ داخلی را علیه طبقه کارگر سازمان می دهند به سازمان دهی متحد و متشکل نیروی خود به صورت قدرت دولتی نیاز دارد.

برنامه ریزی اقتصاد برای پایان بخشیدن به جامعه طبقاتی و رسیدن به سوسیالیسم جامعه رفاه و فراوانی، با وجود تقسیم کنونی کار در سطح جهانی، تنها با پیروزی انقلاب جهانی ممکن است. کلیه عقاید تنگ نظرانه و ناسیونالیستی

# ۲۳ دی نمایش چماق‌داری رژیم!

۲۳ دی ماه سال ۵۷، دانشگاه‌ها که بدست رژیم استبدادی پهلوی بسته شده بودند، توسط مردم گشوده شدند. بدین ترتیب توده‌ها توانستند یک پیروزی و یک سنگر در مبارزه خویش بدست بیاورند. این سنگر را زحمتکشان، "سنگر آزادی" نامیدند. سخنرانی‌ها، میتینگ‌ها، بحث‌ها بر سر پیشبرد انقلاب در دانشگاه انجام پذیرفت. کارگران، دسته، دسته، از سرکار خود به دانشگاه می‌آمدند و به آگاهی سیاسی خویش می‌افزودند. بحث می‌کردند و علم انقلاب می‌آموختند. مجامع عمومی کارخانه را در کلاس‌های دانشگاه برگزار می‌کردند. نمایندگان خود را برای شورا انتخاب می‌نمودند و امور سیاسی را مورد بحث قرار می‌دادند. دیگر زحمتکشان و تهیدستان شهری برای شنیدن سخنرانی‌ها، اخبار انقلاب به دانشگاه سرازیر می‌شدند.

بهررو کلاس‌های عادی دانشگاه‌ها تعطیل شده بود و در عوض کلاس‌های دیگری تشکیل گردید که دروس پیشبرد انقلاب بحث و تدریس می‌شد.

کارگران و زحمتکشان دربارۀ استعمار سرمایه‌داری و ماهیت دولت می‌آموختند. دربارۀ سوسیالیسم که تنها راه رهایی کارگران و زحمتکشان از استثمار است بحث می‌کردند. ارکسیرم را که ابزار و دانش انقلاب است می‌آموختند. تا در مبارزه خود علیه رژیم سلطنتی، علیه استبداد، علیه امپریالیسم علیه سرمایه‌داری و دولت سرمایه‌داری پهلوی بکار بگیرند.

دانشگاه‌ها که بیش از ۲۵ سال برای آزادی جنگیدند در دوران انقلاب، ره صدساله را یک‌ماهه طی کردند و تبدیل به دانشگاه زحمتکشان شدند. زحمتکشان در آن علم انقلااب را می‌آموختند.

یک‌ماه بعد خیابان‌ها، کارخانه‌ها و بلاخره پادگان‌ها گشوده شد. سلطنت و استبداد سرنگون گردید. و آزادی در سرتا سر کشور گسترده شد.

بیش از سیری شدن یک سال از قیام بهمن، یعنی اردیبهشت ۵۸، دانشگاه‌ها مورد یورش و حمله قرار گرفتند و به خون کشیده شدند. قبل از آن پادگان‌ها، خیابان‌ها، کارخانه‌ها، مزارع آزادی محروم شد می‌بودند و اینک نویسنده "دانشگاه‌ها" بود تا از آزادی محروم شود. هیات حاکم دستور این تهاجم را در زیر نام "انقلاب فرهنگی" صادر کرد. حزب جمهوری اسلامی و روحانیت حاکم در روزنامه‌ها و رادیو تلویزیون اعلام کردند که این دانشگاه، "فرهنگ غریبی و شرقی" را ترویج می‌کند و باید بسته شود. "سنگر آزادی" علیه مقاومتش بسته شد.

اما کارگران و زحمتکشان فراموش نکردند که دانشگاه‌ها، نه تنها "سنگر آزادی" بودند بلکه تبدیل به دانشگاه زحمتکشان نیز شده بودند. لیکن این دقیقاً آن چیزی بود که هیات حاکم با آن دشمنی می‌کرد و حاضر بود برای بستن این مرکز ترویج و تبلیغ علم انقلاب و سوسیالیسم و آزادی تمام نیروی

فرد انقلابی خود را بسیج کند و آنرا به خون بکشد. وی نمی‌توانست آزادی را متحد کند.

۲۳ دی ماه ۵۹ سالروز بازگشایی دانشگاه‌ها بود. چند روز قبل از آن تمام رسانه‌های گروهی، سخنگویان دولتی و روحانی، روزنامه‌های وابسته به حزب جمهوری اسلامی خبر از یک به اصطلاح "توطئه" دادند، که گویا قرار است ۲۳ دی ماه انجام بشود. اما آن به اصطلاح توطئه چیزی نبود جز تظاهرات اعتراضی دانشجویان هوادار چند سازمان سیاسی به بسته بودن دانشگاه‌ها و خواست بست بازگشایی آن.

اما تبلیغات هیات حاکم علیه دانشجویان و دانشگاه‌ها، که حاوی ذرهای از حقیقت نبود گسترده تر شد. عوامفریبهای وقیحانه بطور بیسابقه‌ای شدت گرفت.

اطلاعیه‌های تهدید آمیز و سرکوبگرانه از طرف ارگانهای دولتی صادر شد. هیات حاکم نوید سرکوب خونین و محاکمه تظاهرکنندگان در دادگاه‌های زمان جنگ را داد و تاکید نمود که هرگونه اعتصاب، تحصن، تظاهرات، با شدت سرکوب می‌شود. روز ۲۳ دی، پاسداران مسلح سپاه پاسداران و کمیته مرکزی عدای عناصر ناآگاه و فریب خورده و ایضاً لومین نیز برای کمک به سرکوب دانشجویان و جلوگیری از هرگونه اعتصاب، توسط دولت بسیج شدند و هنگامی در جلوی دانشگاه مستقر گردیدند. بدین گونه تظاهرات سرکوب گردید. در چند نقطه دیگر نیز که راهپیمایی اعتراضی برگزار شد، شدیدا سرکوب گردیدند و عدای نیز دستگیر شدند.

سرکوب تظاهرات مزبور، حمله دیگری بود به ابتدایی ترین حقوق دموکراتیک نه تنها دانشجویان بلکه تمام زحمتکشان ایران و آزادی‌های دموکراتیک، آزادی اعتصاب، تحصن، تظاهرات بار دیگر مورد یورش و حمله دولت قرار گرفتند.

دولت بدین گونه بار دیگر نشان داد که مصمم است هرگونه آزادی را بکجا سرکوب کند، مخالفین را دستگیر کند، شکنجه نماید و بکشد.

همانگونه که بستن دانشگاه‌ها در عین حال حمله‌ای بود به دست آوردن‌های قیام و آخرین سنگر آزادی، به همین ترتیب سرکوب تظاهرات ۲۳ دی که در اعتراض به بسته بودن آن قرار بود برگزار بشود، تاکید در این حقیقت بود که هراس رژیم از هرگونه صدای آزادی خواهانه تا چه حد زیادتر شده است.

کارگران و زحمتکشان باید از خواست‌های دانشجویان مبنی بر بازگشایی دانشگاه‌ها پشتیبانی کنند. سرکوب، تهمت و افترا و دروغ بستن بر علیه تظاهرات ۲۳ دی از نظر کارگران و زحمتکشان آگاه شدیدا محکوم است سوسیالیست‌ها اگرچه در تظاهرات ۲۳ دی شرکت نکردند و آنرا تأیید ننمودند، اما قاطعانه سرکوب آنرا محکوم می‌کنند. کارگران و زحمتکشان از آزادی تظاهرات، مطبوعات، اعتصاب، تحصن، تجمع،